

# گزارش درباره وضع جهان و ایران و وظائف حزب در مرحله کنونی

**گزارشی که به پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران ارائه می شود شامل دو بخش است:**  
**۱. وضع جهان**  
**۲. وضع ایران و وظائف حزب در مرحله کنونی**

## وضع جهان

**رفقای عزیز!**

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایط بسیار پرنج و خطرناک بین المللی بکسار آغاز میکند. با روی کار آمدن ماجراجو ترین و تجاوزکارترین جناح جنگ طلب امپریالیسم آمریکا جهان گام به گام بسوی فاجعه جنگ هسته‌ای سوق داده میشود.

در جهان معاصر دو برخورد متضاد به مسئله حیاتی جنگ و صلح وجود دارد. اگر کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی وظیفه خود میدانند نقش‌شان و هدف آن صلح و امنیت خلقها در سراسر جهان را بعمده داشته باشند، دولت عضو پیمان ناتو بصره کردگی امپریالیسم آمریکا که دچار بحران عمیق و دامنه‌دار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک اند، ناگزیری تقدیرآمیز جنگ هسته‌ای، امکان جنگ محدود و حتی بلند مدت هسته‌ای و پیروزی در آن را تبلیغ میکنند و خود را برای وارد آوردن نخستین ضربه آماده می‌سازند. استقرار مشکهای پرشینگ ۲ و مشکهای بالدار یا برد متوسط در اروپای غربی گام عظیمی بلند است که از طرف امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانش در این راه برداشته میشود.

محتوای اصلی سیاست تجاوزکار امپریالیسم آمریکا در مرحله کنونی تلاش برای تضعیف مواضع سوسیالیسم و سرکوب نهضت‌های رهاشی بخش ملی و جنبش ضد امپریالیستی خلقهاست. بدیهی است که لبه تیز این حمله متوجه کشورهای سوسیالیستی است. تشدید بیسابقه جنگ ایدئولوژیک و جنگ روانی توسط ریگان که در مناسبات سیاسی با سایر کشورها عادی ترین موازین شناخته شده بین المللی را زیر پا می‌گذارد از طبیعت تجاوزکار امپریالیسم سرچشمه می‌گیرد.

۲۹ سپتامبر ۱۹۸۳ رفیق آند ریفد در بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس شوراهای اتحاد شوروی در اعلامیه خطاب به مردم شوروی و جهان سیاست دولت ایالات متحده آمریکا را چنین ارزیابی کرد: "اگر به اجمال بگوئیم این یک سیاست سنگینی نظامیگری است که چند ا جهان را تهدید میکند. هدف آن نادیده گرفتن منافع دیگر دول و خلقها، کوشش برای تأمین موضع برتر برای ایالات متحده آمریکا در جهان می‌باشد.

افزایش بیسابقه اخیر قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا، برنامه‌های وسیع تولید همه انواع سلاحها و از جمله هسته‌ای، مینجایی و عادی تابع این اهداف است. آنها برنامه گسترش مسابقه اسلحه‌سازی تسلیحاتی به ماوراء جوسرا تهیه میکنند.

حضور نظامی ایالات متحده آمریکا به انواع بیانه‌های بی‌پایه و واهی، هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آن شدت می‌یابد. برای دخالت مستقیم با کمک نیروهای مسلح در امور دیگر کشورها، برای بکاربردن اسلحه‌های مینجایی علیه هر کشوری که به سلطه آمریکا تن در نمی‌دهد سرپل‌هایی بوجود می‌آورند. در نتیجه وخامت در کلیه مناطق جهان در اروپا، آسیا، آفریقا، خاورمیانه و در آمریکای مرکزی شدت یافته است."

این هشدار و اعلام خطر پزیرانگ گسترده‌ای در جهان داشت و در شرایط پرنج کنونی بین المللی بیش از پیش پرده از نیات واقعی امپریالیسم آمریکا برمی‌گردد.

تشدید بحران ساختاری سرمایه‌داری، کاهش آهنگ رشد، تورم مزمن و بالا رفتن هزینه‌های زندگی و بیکاری موجبات تشدید مبارزه طبقاتی، گسترش جنبش‌های اعتراضی و تزلزل ارکان اجتماعی نظام ستگر سرمایه‌داری را فراهم آورده است. کوشش‌ها و تدابیر اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری انحصاری دولتی قادر به حل تضادهای سرشتی آن نیست. در همین حال تضاد بی‌پسند کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه‌داری بیش از پیش افزایش می‌یابد.

امپریالیسم مخالف تحولات اجتماعی در کشورهای نواستقلال است. در حال حاضر یکی از معضلات عمده این کشورها عبارت است از انتخاب راه رشد اجتماعی - اقتصادی. برخی از دول نواستقلال سمت‌گیری سوسیالیستی را ترجیح داده‌اند و با وجود مشکلات فنی با موفقیت در این راه پیش می‌روند.

دول امپریالیستی با تمام قوا میکوشند راه رشد سرمایه‌داری وابسته را به جهان سوم تحمیل

کنند. زیرا فقط در این صورت است که انحصارهای امپریالیستی میتوانند به غارت منابع طبیعی و انسانی آنها ادامه دهند. اگر در سال ۱۹۷۰ کل وام خارجی کشورهای "جهان سوم" سه دلتها و بانکهای اعتبار دهنده از ۷۴ میلیارد دلار تجاوز نیکند، این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۴۰۰ میلیارد و در سال ۱۹۸۳ به ۷۰۰ میلیارد دلار رسیده. افزایش سریع مبلغ وام کشورهای نواستقلال موجب گردیده که هم اکنون این کشورها سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار نقسط به‌عنوان بهره وام بهره‌اژند. این رقم برآنتب بیش از کل مبلغی است که دول کشورهای نامیرد و بعنوان کمک دریافت میدارند.

کشورهای نواستقلال با بی‌گیری علیه سیاست‌فارتگانه انحصارهای امپریالیستی مبارزه میکنند. آنها خواهان استقرار مناسبات اقتصادی برابر بین کشورها هستند. جامعه کشورهای سوسیالیستی از مبارزه کشورهای رشد یافته برای دموکراتیزه کردن اقتصاد جهانی و در نظر گرفتن منافع مشترک شرکت‌کنندگان در مبادله بین المللی قیای حمایت میکنند. کشورهای سوسیالیستی در مناسبات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای نواستقلال از اصل برابری و سود متقابل و عدم دخاله در امور داخلی پیروی می‌نمایند.

مبارزه خلقها در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و در کشورهای "جهان سوم" در راه صلح، نواستقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم گسترش می‌یابد. تضادهای داخلی کشورهای امپریالیستی و تضادهای بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای نواستقلال شدت می‌یابد و موجب تضعیف پیش از پیش امپریالیسم میشود.

امپریالیسم که میکوشد جلوسیر تاریخ را بسوی استقرار صلح پایدار در جهان، آزادی خلقها از اسارت و استقرار جامعه نوین فایز جنگ‌های مخرب، فقر، جهل و استثمار بکسندد سیاست تشدید و خافت اوضاع بین المللی را که با خطر جنگ هسته‌ای همراه است در پیش گرفته است.

خلقهای جهان از بی‌آمدن جنگ جهانی دوم یا خیرند. رقم ۶۵ میلیون نفر قربانی که ۵۰ میلیون نفرشان اروپایی بودند از خاطرها محو نمیشود. مجموع خسارات وارده به شهرها و روستاها به چهار تریلیون دلار بالغ گردید. دانش معاصر پاسخ صحیح به عواقب جنگ هسته‌ای میدهد. جنگ هسته‌ای حیات، تمدن و فرهنگ بشر را نابود خواهد ساخت. جنگ هسته‌ای بنابر خاصیت فیزیکی سلاحهای هسته‌ای فاجعه‌های غیرقابل تصور و غیرقابل مقایسه در تاریخ بشر است.

واشنگتن برای توجیه سیاست تجاوزکارانه و سلطه‌گرانه خود بر خلقهای جهان به "منافع حیاتی آمریکا" و به "خطر شوروی" استناد میکند. منافعی که از آن یاد میشود، چنین چیز ادامه غارت منابع طبیعی و بهره‌کشی از نیروهای انسانی کشورهای "جهان سوم" به منظور تأمین سودهای کلان برای انحصارهای آمریکائی نیست.

در منطقه خاورمیانه غارت منابع عظیم نفت مورد توجه امپریالیسم آمریکاست. دستیابی به این منابع و شرش و گسترش سلطه امپریالیسم در این منطقه حساس از نظر استراتژیک، عامل عمده متمرکز نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه است.

و اما در مورد باصلاح "خطر شوروی" باید گفت: سیاست استوار و پیگیر صلح و دوستی بین خلقها، پشتیبانی از جنبشهای آزاد بیخشم ملی و مقابله با صدور ضد انقلاب که ناشی از طبیعت و سرشت سیستم حاکم بر کشورهای سوسیالیستی است از سنوی، رشد موزون و بی‌وقفه اقتصاد، علم و فرهنگ و پیشرفت اجتماعی در این کشورها که نمونه درخشانی از تحقق آرمانهای ولای انسانی برای همه خلقهای دریند امپریالیسم و استثمار است از سوی دیگر، برای امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا مانعی جدی در راه ادامه سلطه‌گری و تجاوزات بشمار می‌رود از اینرو امپریالیسم آمریکا علیه کمونیسم و علیه اتحاد شوروی "جنگ صلیبی" اعلام کرده است. که پیرو در زمینه ایدئولوژی بندت ادامه دارد. "خطر شوروی"، این افسانه برای سرچش گذاشتن بر برنامه بسیار خطرناک سلطه بی‌چون و چرا بر جهان از طریق تأمین برتری نظامی از طرف امپریالیسم آمریکا عنوان شده و میشود. تبلیغات اسرارگسیخته و گولزوار ضد کمونیسم و ضد شوروی برای خواب کردن خلقهای جهان و از جمله خود خلق آمریکاست تا هرنوع مانعی از سر راه استقرار مشکهای جدید آمریکا در اروپا، ایجاد پایگاههای جدید، تجاوزات آشکارای نظامی، بد اخلاقت‌خشن در امور کشورها، برداشته شود. خلقهای جهان با مقایسه سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و کوششهای صمیمانه اتحاد شوروی که در برنامه‌های صلح ایست کشور و پیشنهادات سازنده و انعطاف پذیر در راه تأمین صلح جهانی منعکس است هر روز بیشتر از روز پیش در می‌یابند که منبع تشنجات و موجب افزایش خطر جنگ نابودکننده هسته‌ای امپریالیسم آمریکا و شرکای آن در ناتو هستند. تظاهرات گسترده و روافزای خلقهای پشتیبان صلح در اعتراض به استقرار مشکهای جدید ایالات متحده آمریکا در اروپا علیه تجاوز نظامی به گرنادا و تدارک تجاوز به نیکاراگوئه و جنبش عظیم صلح جهانی در مجموع خود گواه روشنی بر این مدعاست.

# گزارش درباره وضع جهان و ایران

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امپریالیسم آمریکا با تشکیل نیروهای اقسام سریع (تجاوز سریع) و گسیل ناوگان جنگی، سیاست دخالت مستقیم در امور داخلی کشورهای منطقه را پیش گرفت. برای دستیابی به این هدف، پایگاه‌های متعدد نظامی در اسرائیل، مصر، مراکش، عمان، بحرین، عربستان سعودی، پاکستان، سومالی، ترکیه و غیره ایجاد کرده و با درمدا ایجاد و تقویت آنهاست. تعداد نیروهای اقدام سریع از ۱۰۰ هزار نفر در دوران ریاست جمهوری کارتر به ۴۰۰ هزار و بروایتی به ۶۰۰ هزار نفر در حال حاضر افزایش یافته است. این خطری است که همه خلقهای منطقه را تهدید میکند. هم اکنون تفنگداران دریایی آمریکا در لبنان به کشتار مردم بیگناه مشغولند. ادامه جنگ در لبنان و جنگ ایران و عراق، که اولی نتیجه تجاوز مستمر اسرائیل به کشورهای عربی و هر دو حاصل تحریکات امپریالیستی است. صلح و امنیت منطقه و جهان را تهدید میکند. شرکت مستقیم نیروهای مسلح آمریکا در خاور میانه برای باصلاح دفاع از آنچه امپریالیسم بانکی منافع حیاتی خود مینامد ادامه دارد. امروزه ارتش آمریکا از سران جمهوری اسلامی را در نماز جمعه اول مهر ماه که ممکن است یک روز جنگ بین المللی بشود، ولی کسی که برای حق قیام میکند از بین المللی شدن جنگ هراس نمی‌ترسد. "بجز تکرار فتنه انسانی عسیرین هذیان واره رونالد ریگان چه میتوان نامید؟ امروزه کانون جنگ و تشنج جدی در جهان بالقوه خطر جنگ هسته‌ای را در بر دارد و خاور میانه و نزدیک یکی از این کانونهای جنگ و تشنج است.

دستیابی به صلح پایدار و عادلانه در این منطقه از جهان چه باخطر منافع و مصالح مردمی این خلقها و چه برای اجتناب از فاجعه جنگ هسته‌ای ضرورت حیاتی دارد. حزب ما خواهان پایان بخشیدن به دخالت امپریالیسم آمریکا و هندستان آن در امور خاور میانه و نزدیک است. حزب توده ایران مبارزه برحق سازمان آزادیبخش فلسطین را بی‌تابانه تنها نماینده خلق عرب فلسطین در راه آزادی و استقلال و علیه صهیونیسم و امپریالیسم قویا تایید و تجاوز اسرائیل به لبنان و جنایات صهیونیست‌ها را در آن کشور و دیگر مناطق اشغالی و نیز توطئه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را علیه سوریه محکوم می‌کند. بنظر ما شرط عمده حل بحران منطقه، تخلیه کامل تمام سرزمینهای اشغالی از طرف صهیونیست‌ها و واخاسته دادن بهرگونه دخالت امپریالیستی در این منطقه است. ما معتقدیم که باید با تمام قوا برای بهر روزی راندن امپریالیسم از این منطقه مبارزه کرد. سرنویشت منطقه خلیج فارس و خلقهای ساکن سرزمین‌های خاور میانه و نزدیک باید بدست خود این خلقها تعیین شود.

امپریالیسم آمریکا و فعال آن - ارتجاع منطقه مدتهاست جنگ اعلام نشده‌ای را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان دامن می‌بزند. مقصد امپریالیسم آمریکا از ادامه این جنگ علاوه بر تسلط بر افغانستان، استفاده از این کشور دست و برادر ایران علیه میهن ما و جنبشهای آزادیبخش خلقهای این منطقه حساس است. حزب توده ایران جنگ اعلام نشده علیه کشور برادر افغانستان را پشت محکوم میکند و خواهان پایان دادن به هرگونه دخالت در امور داخلی افغانستان است. نبرد خلقها علیه سیاست نواستعمار علیه دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در سراسر جهان روز بروز شدت می‌یابد. انقلاب پیروزمندیکارگروه را خطر بزرگی تهدید میکند. میهن پرستان نیکارگروه نبرد سخت و نابرابری را علیه دخالت آشکار امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کشور خود ادامه میدهند. هدف واضحگشتم، چنانکه بارها اعلام شده، سرکوب انقلاب خلق در نیکارگروه است.

نهضت آزادیبخش خلق السالوادور علیه رژیم فاشیستی گماشته امپریالیسم آمریکا با موفقیت ادامه دارد. مبارزه سرسخت میهن پرستان شیلی علیه دست نشانده سیا - پینوشه وارد مرحله نونی شده و میروند تا به حاکمیت جانجیان و آدن کمان در این کشور پلاکشیده پایان دهد. تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا و بیورش وحشیانه به کشور آزاد گرنادا و اشغال این سرزمین بمنظور برقراری نظام وابسته و به غرب امپریالیستی در این کشور کوچک آنقدر قبیح و فاشیست‌مانانسه است که خشم نیرومند مردم سرتاسر جهان و حتی اعتراض کشورهای متحد ایالات متحده آمریکا را در ناتو برانگیخته است. کوتاه سخن، از آمریکای مرکزی گرفته تا آفریقا، آسیا و خاور میانه و نزدیک همه جا آتش نبرد علیه تجاوز و سلطه‌گری امپریالیسم و نواستعمار شعله می‌کشد. مبارزه خلقها در راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مبارزه‌ایست برحق و عادلانه و بهیچ سبب مورد حمایت و پشتیبانی همه نیروهای مترقی و آزادخواه.

## رفقا!

دوران ما دوران گذر از سرمایه‌داری پسوسیالیسم در مقیاس جهانی است. نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم هم اکنون بر نیروهای امپریالیسم برتری دارند. جامعه کشورهای سوسیالیستی به نیروی عظیم در جهان تبدیل گردیده و بحق نیروی تعیین کننده در نبرد علیه امپریالیسم و مبارزه در راه رهایی بشر است. جنگ نابودکننده هسته‌ای بشمار می‌رود. کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری، احزاب و سازمانهای مترقی دیگر، سئند - یکاهای کارگری، انواع سازمانهای مذهبی و غیرمذهبی، شخصیت‌های علمی و فرهنگی، نویسندگان و هنرمندان در سراسر جهان خواستار صلح، تشنج زدائی، عادلانه سیاست همزیستی سالمیت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای مختلف اجتماعی - اقتصادی هستند. بهیچ سبب مبارزه در راه صلح و خلق سلاح هسته‌ای به مبارزه واقعی همه خلقی مبدل شده است.

در اثر مساعی بهگرنانه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی و برائسر هوشیاری و بیداری دیگر نیروهای صلح طلب در جهان، بهریت توانسته است طی یک دوران نسبتاً طولانی بعد از جنگ جهانی دوم از وقوع جنگ خانمانسوز بزرگ جلوگیری کند. حزب توده ایران از پیشنهادات جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه خلق سلاح همگانی قویا پشتیبانی می‌کند و آنها را یگانه راه دستیابی به صلح پایدار و نجات از مرگ هسته‌ای بشمار می‌داند.

حزب ما معتقد است مبارزه در راه تخفیف و خامت اوضاع جهان، تحدید سلاحهای هسته‌ای، ایجاد مناطق آزاد از سلاحهای هسته‌ای، برچیدن پایگاههای نظامی آمریکا در

سرزمینهای بیگانه، خاموش کردن کانونهای جنگی یکی از عرصه‌های عده مبارزه ضد امپریالیسم بشمار میرود. در دوران ما مبارزه‌ای آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم و تجاوزات آن جریان دارد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی جهان محسوب می‌شود. این اصل مورد قبول همه نیروهای اصیل انقلابی جهان است. حزب توده ایران علیه "تسز" و "دو ابر قدرت" بحاریت گرفته شده از ناموس امپریالیستی، که اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را بدون در نظر گرفتن ماهیت نظامی حاکم بر این دو کشور، در یک ردیف قرار میدهد، قاطعانه مبارزه کرده و خواهد کرد. شعار "نه شرقی و نه غربی" سران جمهوری اسلامی را که ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی را یا بزرگترین تکیه‌گاه آن اتحاد شوروی نفی میکند، عسروشی برای حفظ رژیم سرمایه‌داری وابسته و نزدیکی با کشورهای امپریالیستی می‌دانند.

حکام جمهوری اسلامی که در حرف خود را ضد امپریالیسم معرفی میکنند، عملاً طریق دزدی از امپریالیسم را در پیش گرفته‌اند. در مبارزه با یک سیهاترین نیروهای ارتجاعی جهان علیه کمونیسم و اتحاد شوروی آغاز کرده‌اند. فعالانه شرکت دارند. حزب ما سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی را قویا محکوم می‌کند. هیچ نیروی قادر نخواهد بود حزب توده ایران را ریزاری خانواده بزرگ احزاب پسران در درجه اول حزب پرافتخار لنینیست قرار دهد. وفاداری به مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پروولتاری بخندتصادفانه به منافع خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، شرط ضروری برای پیروزی در سیاست است، که حزب ما برای نجات میهن ادامه میدهد. ما معتقدیم که شرط اساسی پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع اتحاد سه نیروی اساسی انقلابی عصر ما - سربانی سوسیالیسم، جنبش کارگری و کمونیستی و نهضت رهایی بخش ملی در مقیاس جهانی است. هر روشی برخلاف آن بطور عینی کفکی است به نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی

# بررسی وضع ایران

## رفقای عزیز!

انقلاب شکوهمند مردم ایران که توانست به نظام سلطنتی در ایران پایان دهد و ضربه سختی بر مواضع امپریالیسم در یکی از حساسترین مناطق استراتژیک جهان وارد آورد، مقام و سرورای در تاریخ نهضت‌های رهایی بخش و انقلابات ضد امپریالیسم خلقهای ستمدیده پس از جنگ جهانی دوم دارد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی جهان دازد انقلاب به پایان پنجمین سال خود نزدیک میشود و کشور ما لحظه بسیار دشوار و درد آوری را می‌گذراند. در این مدت کوتاه حوادث مهم در جامعه ما روی داده که بررسی برخی از آنها برای ارزیابی وضع موجود بقصد استفاده در تنظیم خط مشی حزب ضرورت دارد.

## رفقا!

جنبش ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی و دموکراتیک مردم ایران کلیه مراحل یک انقلاب واق را طی کرد. همه شیوه‌های مبارزه از تظاهرات خیابانی، اعتصابات اقتصادی و فراوی آنها، اعتصابهای سیاسی سرتاسری تا قیام صلح در جریان انقلاب به کار گرفته شد.

در این میان قیام ۲۰ - ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ دارای اهمیت ویژه‌ایست. در شرایط ویژه آن روزهای سرنویشت ساز یگانه راه خنثی کردن توطئه ارتجاع و امپریالیسم قیام مسلحانه بود. مقاومت متهورانه همافران در برابر "گارد جاویدان" و جاهگی مبارزان خلق در سیمای حز توده ایران، چرکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران با آنان و آغاز قیام مسلحانه عصری خردکننده‌ای به سنگر ضد انقلاب وارد کرد. در روزهای ۲۰ - ۲۲ بهمن ای توده‌های مسلح زحمتکشان بودند، که یادگنها و کلاترپها را یکی پس از دیگری خلق مسلح تصرف کردند. قیام مسلحانه در عین حال نقش جناح سازشکار در رهبری انقلاب را برای تکمیل ارتش به صورت دست نخورده نقش برآب کرد. از اینرو قیام صلح ۲۰ - ۲۲ بهمن را باید حلقه تعیین کننده انقلاب بزرگ خلقهای ایران برای پایان بخشیدن به تسلط امپریالیسم و سرنگو ساختن رژیم سلطنتی ارزیابی کرد.

با قیام مسلحانه ۲۰ - ۲۲ بهمن ماه، جنبش انقلابی مردم میهن ما، پیروزی بزرگ تاریخی بدست آورد. ولی این، تنها گام اول در راه رسیدن به اهداف انقلاب بود. با پیروزی انقلاب حل مسائل پس‌مهم و حیاتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دستور روز قرار گرفت. سیرانقلاب نشان داد که توده‌های میلیونی زحمتکشان فقط برای تغییر ربنای سیاسی مبارزه نکردند، بلکه خواستار دگرگونی بنیادی رژیم هم بودند. شعار پایان دادن به سطره امپریالیسم که در جریان اوج جنبش از جانب نیروهای محرکه انقلاب مطرح شد و بزودی به شعار عموم خلق مبدل گردید، خواست توده‌های وسیع مردم را که تا مین استقلال اقتصادی و حاکمیت واقعی مل بود منعکس میکرد.

تأمین استقلال اقتصادی که به معنی دستیابی به استقلال واقعی ملی است، نقطه مبارزه در راه تادوم انقلاب امکان پذیر بود. مضمون آزادی ملی نیز، که هدف اساسی شعار میرفت جزو این نمیتوانست باشد. چگونگی برخورد به این موضوع نقش تعیین کننده در ارزیابی رهبری جدید داشت و دارد.

در ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب تحت تاثیر جو حاکم گامهای مثبتی در جهت برآوردن ساختن برخی از خواستههای نیروهای انقلابی شرکت کننده در جنبش برداشت ملی کردن ۵۱ کارخانه بزرگ متعلق به گروههای صنعتی و سرمایه‌داران بزرگ فراری ملی کرد. بانکها و بیمه‌ها داره اموال خاندان پهلوی و سردمداران رژیم، تصویب قانون اصلاحات ارضی، شهرویی بندگان "ج" و "د"، پایان دادن به سیطره امپریالیسم آمریکا در ایران، عسرویی

# گزارش درباره وضع جهان و ایران

ز پیمان تجارکار سنتو و پیوستی به چرکه دول غیر متعهد ، تجدید عملکرد سرمایه انحصاری فارچی ، الخای قرارداد نابرابر با کنسرسیوم بین المللی نفت ، کاهش صدور نفت خام و بالاخره برامات آزادیهای دموکراتیک در دوران محدود ، طبرقم گاشکنی های فراوان نیروهای ارتجاسی ، در فعالیت احزاب سیاسی انقلابی ، از جمله دستاوردهای خلق بشمار میرفت .

حزب توده ایران ضمن انتقاد سازنده ، از کلیه اقدامات شورای انقلاب که در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم و پایان دادن به سیطره کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بود ، بحسب پشتیبانی کرد . در همین حال ، حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی بدستی خواهان ادامه انقلاب و تحمیل هرچه بیشتر مضمون و محتوای آن برای ایجاد شرایط مناسب برخورداری فزاینده توده های زحمتکش از مواهب مادی و معنوی بودند .

در نهمه سرگشاده مورخ خرداد ماه ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب در باره ضرورت اتخاذ برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیداکردن راه حل انقلابی از مشکلات موجود چنین میخوانییم :

"فروپیزی نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده ، ۰۰۰۰ ، اخراج دهها هزار مستشار آمریکایی ، که همه شریانهای حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند ، و لغو قرارداد های اسارت آور کاپیتولاسیون ، مستوق خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی غیر ضروری ، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال حریص و خون آلود انحصار های نفتی امپریالیستی ، بازخواندن ارتش ایران از نظار قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن ، امتناع از فروش نفت به اسرائیل و تواد پرستان جنوب افریقا ، اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است "

موازات این ارزیابی مثبت حزب ما دشواریهای فراوان پسر راه تحکیم و تثبیت پیروزی انقلاب را نیز خاطر نشان میساخت : "از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تاسف ، در زمینه شناخت این دشواریها و راه از بین برداشتمشان ، در میان نیروهای ملی دید یگانهای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیگردد . تردید نمیتوان داشت که بسا ادامه این وضع خطرناک جدی مهترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار میدهد . در این نامه سرگشاده کمیته مرکزی نه تنها دشمنان انقلاب را معرفی میکند ، بلکه همه مسائل حاد سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی را مطرح و راه برون رفت از آنها را نیز ارائه میدهد . این مواضع اصولی حزب توده ایران ، که با زبان آتزا در اسناد و مدارک رسمی کمیته مرکزی حزب میتوان مشاهده کرد ، در افشای ضد انقلاب و تجهیز زحمتکشان در مبارزه برای تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب نقش مهمی داشتند .

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت طبرقم کوششهای حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی ، ملی و دموکراتیک انقلاب نتوانست به اهداف خود نائل آید . انقلاب که تا یکسال و اندی پس از پیروزی ، کم و بیش سر صعودی می پیچید ، متوقف و سپس سیر نزولی را آغاز کرد . عامل مؤشیر در این روند وجود نیروهای ارتجاسی ، قشری و انحصار طلب در رهبری سیاسی جدید بود . نباید از نظر دور داشت میل به متوقف ساختن انقلاب و جلوگیری از تداوم آن در ادای انقلاب آغاز گردید . جناح راست رهبری سیاسی نوبین کوشش فراوان میکرد تا شور انقلابی زحمتکشان را خاموش کرده آنان را به " بازگشت به خانه ها " وادار سازد . اگر نتاسب نیروها در درون رهبری سیاسی نوبین از سوتی و آگاهی توده های زحمتکش و حضور آنان در عرصه مبارزه از سوی دیگر ، نیل به این هدف را در سالهای نخست بعد از پیروزی شکل میساخت ، بعد ها با سنگین شدن کفنه نیروهای ارتجاسی در حاکمیت جلوگیری از سیر صعودی انقلاب امکان پذیر شد . نوسازی اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی بسود محرومان فقط هنگامی موثر می افتاد ، که دولتی متجانس ، منسجم و موافق به انقلاب با اتحاد همه نیروهای انقلابی ، ملی و مترقی اداره کشور را بدست میگرفت . حزب توده ایران یارها این واقعیت مهم را با سران جمهوری اسلامی در میان گذاشت . ولی رهبری سیاسی نوبین به حل این معضل حیاتی تن نداد . درست است ، که با پیروزی انقلاب ، هیئت حاکمه نوبین با پایگاه طبقاتی جدید زمام امور کشور را بدست گرفت ، ولی این هیئت حاکمه از دیدگاه وابستگی طبقاتی یکدست نبود و دستگاه دولتی به ارث رسیده از رژیم شاه نیز تقریباً دست نخورده باقی ماند . حال آنکه بدون تیدیسلی دولتی به عامل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و بدین دموکراتیزه کردن دستگاه دولتی تداوم انقلاب امکان پذیر نبود .

انقلاب با کفنهای مبین ما با منافع طبقات و گروههای اجتماعی گوناگون در داخل و هم چنین در مقیاس جهانی در اصطکاک بود . اگر در جریان جنبش انقلابی همه نیروهای محرکه انقلاب ، صرف نظر از وابستگی های طبقاتی و اجتماعی در صفا واحدی مبارزه میکردند ، پس از پیروزی انقلاب و پیچش پس از گامهای مثبتی که شورای انقلاب در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب برداشت ، روند مرز بندی طبقاتی با سرعت هرچه بیشتر ادامه یافت و اختلاف گروههای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه بیش از پیش ظاهر شد . و این نتیجه جبری تبلور مناسبات بیسن استعمارشوندگان و استثمارکنندگان نبود . اختلاف پسر سرد و مسئله مهم یعنی حاکمیت و مالکیت بود که مرتباً بالا میگرفتند .

آیت الله خمینی بعنوان رهبر سیاسی مورد قبول عام ، که مآلا در مرکز رید ادای د واران اوج جنبش انقلابی قرار داشت با ایفای نقش هماهنگ کننده توانست اتحاد نیروهای محرکه انقلاب را تا پیروزی جنبش و در ماههای نخست بعد از پیروزی آن کم و بیش حفظ کند . در این زمینه همسویی و همکاری برخی از رهبران مذهبی با شعارهای مردمی نقش حساسی داشت . " عدالت اسلامی " و یا " عدالت اجتماعی " که روحانیت شرکت کننده در انقلاب وده آتزا یسه مردم میداد ، در عین شباهت ظاهری با ایماز زحمتکشان ، دارای محتوای کنش داری بود . ولی در جریان انقلاب هیچ یک از نیروهای سیاسی شرکت کننده در جنبش انقلابی نه در اندیشه شکافتن مضمون آن بودند و نه وقت آتزا داشتند . آنچه در آن مرحله از نهضت انقلابی اهمیت داشت نقش تجهیزکننده شعار " عدالت اسلامی " بود که در مقابله با شعار " تمدن بزرگ " شاه مطرح گردید . شعار " عدالت اسلامی " که بشکلی مبهم ، خواست زحمتکشان را دایر بر نفی نظام بهره کشی محکمس میگرد برای توده های محروم ملموس بود . در تلفی از شعار " عدالت اجتماعی "

و یا " عدالت اسلامی " تمایلات گوناگون ضد سرمایه داری و دموکراتیک و توحیدی و ناظر آن به چشم می خورد ؛ قشرهای معینی از مسلمانان انقلابی با ایدئولوژی اسلامی ، بخشی از روحانیون حاکم ، حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی چپ حامین این نظرات بودند . کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و سخننگاران آنان اعم از روحانی و غیر روحانی " عدالت اسلامی " را فقط در چارچوب مشرویت مالکیت نامحدود بررسیست شناخته و میسناستند . آنچه روحانیون ایران را در موضعگیری سیاسی ، اجتماعی تمایز داشته همین برخورد یسئله مالکیت است . میتوان گفت که از همان ابتدا بطور عمده و در جبهان متضاد در میان روحانیون و از جمله روحانیون طراز اول و مراجع تقلید از طرفداران مالکیت محدود و طرفداران مالکیت نامحدود وجود داشت .

یادآوری این واقعیت لازم است که رشد سرمایه داری وابسته و تبدیل ایران به " جامعه مصرف کاذب " که موجبات سیر سریع جامعه پسوی زندگی با اصطلاح " مدین " را فراهم می آورد ، در سنسن مذهبی و خانوادگی تزلزل ایجاد کرده و بر اعتقادات سنتی توده ها تاثیر میگذازد . این تاثیر چنانکه روحانیون حاکم بارها و بارها بدان اشاره کرده اند ، بویژه میان نسل جوان محسوستر بود . روند مزبور با منافع اساسی روحانیت در حال و آینده در تضاد قرار میگرفت . بدیهی است که فقط روحانیون مخالف رژیم شاه نگران این وضع نبودند ، لایه های گوناگون اجتماعی در این زمینه با این گروه از روحانیت همسو بودند . قشر معینی از بورژوازی صنعتی کوچک و متوسط ، بورژوازی تجاری ، اکثر کسبه و پیشموران و دهقانان ، روستائیان مهاجر - حاشیه نشینان شهرهای بزرگ ، بخشی از پرولتاریای صنعتی و نیز لایه ای از روشنفکران مسلمان در زمره این گروه بودند .

ولی تنها تضاد روحانی بین شیوه زندگی از غرب سرمایه داری به عاریت گرفته شده توسط سرمایه داری وابسته و دران حکومت شاه با معتقدات و شیوه زندگی سنتی نبود ، که انبجافظیم انقلابی را با خود به همراه داشت . این تضاد تنها یکی از تضاد های درون جامعه ما بود . همانگونه که از شعارهای عمده و فراگیر انقلاب پیدا بود ، مردم برای تائین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی بهاخاستند ، خواستههایی که همچنان مطرح است و توده های وسیع مردم در پی تحقق آنها هستند .

برای حزب ما روشن بود همه آنهاست که زیر پرچم جمهوری اسلامی به قدرت رسیدند یگانه فکر نمیگردند زیرا یگانگی طبقاتی نداشتند . ناهمگونی ترکیب حاکمیت ابتدا در شکل و محتوای دولت موقت و شورای انقلاب نمایان شد .

نبرد واقعی در این دوره از عمر حکومت جمهوری اسلامی بر سر محور امپریالیسم آمریکا و نوع مناسبات با او دور میزد و حزب توده ایران با استفاده از فعالیت آزاد خود سعی کرد ماهیت امپریالیسم آمریکا را بحدون غدارترین دشمن انقلاب به توده های مردم و به حاکمیت اسلامی در مجموع خود بشناساند . باید اذعان داشت که حتی مسلمانان مبارز در درون حاکمیت نیز آنچنان که انقلاب عظیم ایران میطلبد شناخت عمیق از امپریالیسم نداشتند .

سمت گیری دولت موقت در خط سازش با امپریالیسم ، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته بود . کوشش برای بازگرداندن مالکان و سرمایه داران بزرگ فراری و موضعگیری خصمانه علیه پیروان سوسیالیستی و در ایران و کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزاد پیش طلسی در عرصه سیاست خارجی از مشخصات عمده دولت موقت بود .

بالا بودن روحیه انقلابی در مردم محضور فعال نیروهای انقلابی ضد امپریالیسم و مردمی از جمله دانشمندان ایدئولوژی سوسیالیسم علمی نظیر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران در صحنه انقلاب زمینه نیروی جناح هواداران " عدالت اسلامی " در حاکمیت را تقویت میکرد . بسیاری از اقدامات انجام شده در آن دوره و یا تصمیمات مترقی ، که شورای انقلاب گرفت ولی به مرحله اجرا نرسید ، در واقع تحت تاثیر آرمانهای خلقی مسلط بر جامعه ایران و دیگر شرایط آن دوران بسود ، حزب توده ایران با علم به همین واقعیت از هر تصمیم درست ، از هر تصمیمیانه به حق و هر برخورد سالم به مسائل اجتماعی دفاع کرد و آتزا به میان توده های مردم برد تا به نیروی واقعی و مادی تبدیل سازد . آگاهی توده ها در باره جناحهای حاکمه ، بسیج آنها جهت طرد سدکنندگان راه انقلاب و مجبور ساختن اعلام کنندگان وده های در سست و انقلابی به انجام آنچه که اعلام داشتند از اهداف درست و برحق حزب ما بوده است . انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل مجلس شورای اسلامی برخورد دو جناح در حاکمیت را که تصویر می رفت ، با استحقاق دولت موقت و انحلال شورای انقلاب تقلیل دهد ، با دیگر بشکسل تازه تری مطرح ساخت .

با برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری در واقع رهبری سیاسی بطور عمده در اختیار آیت الله خمینی و طرفداران او در حاکمیت قرار گرفت . در این شرایط با در نظر داشت اختلافات گذشته در حاکمیت سیاسی و توقف روند تحمیل انقلاب ، امید میرفت گامهای اساسی در جهت حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه به نفع توده های زحمتکش برداشته شود . این امید به تحقق نیویست و این روند نه تنها آغاز نشد ، بلکه گامهای نیز به عقب برداشته شد و سیاست رژیم بیش از پیش به راست متمایل گردید . چرخش به راست با پایگاه طبقاتی هیئت حاکمه در ارتباط است .

روحانیون حاکم ترکیبی از جناحهای گوناگون را تشکیل میدهند . جناحی مظهر سیاسی و نماینده کلان سرمایه داران ، بویژه بورژوازی تجاری و بزرگ مالکان و جناح دیگر حامیان " عدالت اسلامی " در جامعه اند . اگر جناح نخست خواهان اشکال محدود تر تسلط سیاسی در عین حفظ تسلط کامل نظام سرمایه داری وابسته است ، جناح دوم حفظ تسلط انحصارگرا نه سیاسی و اقتصادی را برای پیاده کردن آنچه بنام " عدالت اسلامی " مینامد ، در جامعه ضروری داند . کوشش هر یک از جناحها برای تائین فرمانروایی خویش و فرمانبرداری طرف دیگر ، عقب نشینی در مقابلش بورشیک جناح و در پیش گرفتن طریق معاشات و عمل مشترک همه جناحها در برابر خواستاران تحولات عمیق اجتماعی به قصد دفاع از منافع خود ، و مناسبات و اقتضای جامعه انجام میشود که نمایندگی آنها را پحمده دارند . بنابراین میتوان گفت " روحانیت حاکم " نه نماینده یک قشر معین از یک صیقه معین بلکه نماینده قشرهای گوناگون طبقات و لایه های مختلف جامعه از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گرفته تا بورژوازی متوسط و کوچک و خرده بورژوازی است . در چنین زمینه ایست که روحانیت حاکم خود را مافوق تناقضات طبقاتی معرفی میکند که گویا هزاره یا دیگر اقتضای جامعه در مجموع " مردم " را تشکیل میدهند و از منافع مردم دفاع میکنند .

# گزارش درباره وضع جهان و ایران

و از این رو با حساسیت خاص برخورد طبقاتی به مسائل اقتصادی و اجتماعی را دست پختن شیطان معرفی میکنند.

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان توانستند از اصلاحاتی که حتی از محدود رفرمیهای بورژوا - دموکراتیک خارج نمیشد ممانعت بعمل آورند. تسلط روحانیون قشری و انحصارطلب در حاکمیت فقط میبایست جمهوری اسلامی را با ضمیمه بورژوازی در پی داشته باشد. اگر در زمان شاه گروه های صنعتی یعنی قشر فوقانی سرمایه داران و نیز بزرگ مالکان در پشت تمام شاه فرمانروایی میکردند یا ایجاد جمهوری اسلامی و حذف گروههای صنعتی اینک کلان سرمایه داران و بورژوازی تجاری و نیز بزرگ مالکان در مجموع خود در پوشش موازین شرعی و بنام "امت مسلمان" حکمرانی میکنند و جامعه بجای آنکه محتوای نوین کسب کند، برای حفظ منافع آنان بسوی کهنهترین شکل سنتی سده های سوق داده میشود. مشخصه عمده وضع موجود را میتوان سیاست مانور میان طبقات و اقشار و "استمداد" عوام قریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای پرده پوشی دفاع از منافع طبقه استعمارگر دانست.

مجموعه عوامل یاد شده بود که مانع تداوم انقلاب در جهت تحقق اهداف آن شد و انقلاب را به بیراهه کشانید. اینک گروه راستگرایان و قشریون سلطه بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در تلاش آسمانی جدید دادن علل عقب نشینی رهبری انقلاب از وده های عدالت پورخانه است. علا بین این گروه و امپریالیسم همگونی نظرات وجود دارد و همه آنان در مبارزه علیه درگرنده شان اعم از توده های، مجاهد، فدائی و غیره در صف واحدی قرار دارند. حمایت آنان از مذهب نیز محدود به حفظ منافع طبقاتی آنان است. اسلام پوششی است برای استعمار مقاصد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی آنها.

راستگرایان و عمال امپریالیسم توانستند از وضع فلاکتناز موجود که خود بانی آن هستند در جهت گسترش پایگاه اجتماعی خویش بهره برداری کنند. با اعتراف برخی از روحانیون علاوه بر دست پروردگان غرب گویا عده ای "از مسلمانان خالص و خوب که ناخود آگاه گرایش به حرکت غربی و غرب پسندانه دارند" و نیز گروهی از روحانیون به جرگه آنان پیوسته اند.

یکی از پایگاههای این گروه "انجمن حجتیه" است. در ماههای اخیر، در پیجوه مبارزه بر سر قدرت که از ویژگیهای جمهوری اسلامی بشمار میرود، حطاتی علیه انجمن آغاز شده. مدارک و اسناد منتشره دال بر آنستکه "انجمن حجتیه" سالیان سال پیش با اجازه رسمی سسواوک

تشکیل و تحت نظارت و با حمایت مانی آن سازمان جبهی مشغول فعالیت بود. سران جمهوری اسلامی که کلیه اسناد و مدارک ساواک را در اختیار دارند از سالها پیش از خوشبوآندی نزدیک انجمن با ساواک مطلع بودند ولی سکوت میکردند. انجمن به ثابته پایگاه ارتجاع و امپریالیسم توانست در موسسات دولتی و نهاد های انقلابی، ارتش و سپاه پاسداران، پلیس، ژاندارمری و غیره نفوذ کند. نمایندگان اعضا انجمن در مجلس شورای اسلامی، در کابینه های که پسند از انقلاب یکی پس از دیگری روی کار آمدند، در ارگانهای عالی قضائی و بالاخره در همه مقامات حساس جای گرفتند.

اینک که نقاب انجمن حجتیه "دریده شده" می کوشند تا جنبه های سیاسی - اجتماعی موضوع را کتمان کنند و بطور عمده روی نظرات مذهبی انجمن تکیه میشود. می گویند انجمن با ولایت فقیه مخالف است و بنظر هیران آن وضع در جوامع اسلامی باید بد رجعی از وضعیت برسد تا شرایط ظهور مهدی فراهم آید.

"انجمن حجتیه" بنابه پایگاه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و بعنوان سخنگوی آنان نقش ویژه ای در گرایش جمهوری اسلامی براسات و بورژوازی بسوی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ایفا کرده و میکند. "انجمن حجتیه" در تدارک مقدمات و پیشبرد اهداف کودتای خزنده بقصد شکست کامل انقلاب رل مهمی بعهده داشته و دارد.

ساده نگری است، اگر تصور شود با حمله رقیق به "انجمن حجتیه" و صحنه سازینها علیه "تئوریستهای اقتصادی" و تغییر برخی مبرهها در کابینه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سخنگویان خود را در حاکمیت از دست میدهند.

تا زمانیکه اهداف انقلاب در زمینه تحول بنیادی به سود محرومان جامعه بدست فراموشی سپرده شده، تا زمانیکه مالکینهای بزرگ دست نخورده باقی مانده، تا زمانیکه دولت طریق احیاء نظام متحد سرمایه داری وابسته را در پیش گرفته، تا زمانیکه در روزه های کشور پری انحصارهای غارتگر خارجی گشوده است، تا زمانیکه کارگران و دیگر زحمتکشان و نیروهای سیاسی مدافع آنان از ابتدائی ترین آزادیها و حقوق دمکراتیک محروم و گروه رونه سیاهچالها می شوند و بسا بقتل می رسند، مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و روحانیون راستگرا و قشری مدافع این غارتگران تقویت خواهد شد و پس.

## رفقا!

همانطوریکه در اسناد و مدارک حزبی ما منعکس است، انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مردم میهن ما انقلابی ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد استبدادی و مردمی بود. توده های زحمتکش و بورژوا صبقه کارگر ایران در جریان جنبش انقلابی خواسته های صریح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را مطرح کردند. رهبران سیاسی چه در دوران اوج جنبش، چه بعد از پیروزی انقلاب متعصب شدند تا به خواسته های توده های میلوونی شرکت کنند. در انقلاب تحقق بخشند. مردم در انتظار تحولات موثر اجتماعی - اقتصادی در جامعه بودند. ولی انقلاب در مرحله سیاسی متوقف شد و به طلی که یاد آور شدیم نتوانست به انقلاب اجتماعی فرارود. محدودیت طبقاتی حکام جمهوری اسلامی موجب گردید که رهبری سیاسی نتواند به وده های خود پیرامون تحولات اجتماعی - اقتصادی عمل کند. چرخش هیئت حاکمه براسات دستاورد های اولیه انقلاب را نیز در معرض خطر جدی قرار داد. طبیعی است که این تغییر جهت رژیم با واکنش سخت نیروهای انقلابی و دمکراتیک مواجه گردید. یورش سیمانه رژیم به حزب توده ایران و دیگر نیروهای مردمی نیز بازتاب ایسن سیاست ضد ملی هیئت حاکمه است.

# پی آمدهای مخرب چرخش به راست

هرچ و موج بیسابقه زائیده بحران و یا صریحتر گفته باشیم ورشکست اقتصادی مولود عدا کفایت و کارائی، نبود برناه دقیق و حساب شده، فقدان تتر صریح نظام اجتماعی - اقتصادی، نبر بی پایان زیرسختی، گسترش فقر و بیکاری، تحمیل عساکف بین فقر و ثروت، تشدید تهر و اختنناز ادامه جنگ ویرانگر و بی حاصل و بالاخره گسترش فساد در جامعه را آورد تسلط نیروهای راست انحصار طلب و قشری در حاکمیت است.

حزب توده ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با توجه به خطرات ناشی از بحران اقتصاد د اتحاد تدابیر عاجلی را در جهت سررسامان دادن به اقتصاد ملی و نوسازی آن، برپایه بسا نظام اقتصادی - اجتماعی معارف و سالم مطرح ساخت. حزب خطوط اساسی دستیابی به بسا اقتصاد بجای ملی را نیز آغاز داد.

نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه بسود محرومان و زحمتکشان، محتوای اساسی استراتژ حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی متری بود. حزب توده ایران بنا به رسالت تاریخی وظایف خود در قبال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران از روز نخست خاطر نشان کرد، که چنین نوسازی باید بلافاصله آغاز گردد و به هیچ بهانه ای نمیتوان و نباید این امر عظیم و حیاتی را، "بعد از" تحکیم پیروزی سیاسی موکل کرد. حزب اهرم سیاسی دستیابی به این هدف را نیز، که جبهه متحد نیروهای حرکت انقلاب بود مطرح ساخت و بد رستی متذکر شد، که فقط در چنین صورتی میتوان از حاکمیت گسترده مردم بخاطر نوسازی جامعه بهره مند شد. متأسفانه با چیره شد نیروهای ارتجاعی راستگرا، انقلاب از مسیر اصلی منحرف شد. سران جمهوری اسلامی، که سخت درگیر تیرد بر سر قدرت بودند، با وقت گذرانی و اتخاذ تدابیر نسنجیده و گاه نیم بند به مقاصد تبلیغاتی، با حمایت و پشتیبانی آشکار و نهان از زالوهای اجتماعی ضربات مهلکی بر پیکر ضعیف اقتصاد ملی وارد آوردند. خطر به درجه ای محسوس و جدی است که بازتاب آنرا می توان در بیبا نات مقامات عالی رتبه رژیم نیز بهمان مشاهده کرد. آنها از کمبود های اقتصادی، از اختلاف برسر "مسائل دنیوی" یعنی بر سر قدرت و ثروت، و از بیگاری مزمن، از تورم فزاینده، از اختلاف و دست بندی میان روحانیت، از دودستگی و چند دستگی ملت، از سقوط سپاه پاسداران و ارتش در دا، خود محوری، از گرایش هیئت حاکمه به اشراغیت سخن می گویند.

برای تصور دقیق پی آمدهای مخرب چرخش براسات در مرصه اقتصادی و اجتماعی بناچار باید دست بدامان برخی ارقام شد. آمار بانک مرکزی حاکمیت که شاخص بهای کالا و خدمات بهررق از ۱۰۰ درصد در سال ۵۶ به ۳۵۵ درصد در سال ۱۳۶۱ رسیده، یعنی بیش از ۳/۵ براب شده است. از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ حجم اسکناس در گردش در برابر گردید و به ۱۸۰۰ میلیارد ریال بالغ شد. طی همین مدت حجم پول، یعنی مجموع اسکناس و اوراق بهادار سه برابر افزایش داشت.

افزایش بی رویه حجم اسکناس و پول بی پشتوانه در گردش، که یکی از اهل عمل عمده تورم فزاینده و بالا رفتن بهای کالا و خدمات بهررقی بشمار میرود، محصول استقرار دولت از سیستم بانکی برای تأمین کسر بودجه سرسام آور است. طی سالهای ۶۰ و ۶۱ دولت مبلغی در حدود ۲۵۰ میلیارد ریال برای این منظور از سیستم بانکی وام دریافت داشته است. این روند همچنان ادامه دارد و نتیجه آن کاهش بسبب سیاست ارتش ریال در بازار داخلی و نیز تنزل ارزش آن در مقایسه بسا ارزهای خارجی است، چنانچه ارزش یک دلار آمریکائی از ۷/۰ ریال در سال ۱۳۵۷ به ۱۲۰ ریال در سال ۱۳۶۱ رسید.

این ارقام جای کوچکترین تردیدی در کاهش سریع قوه خرید و مآلا تنزل سطح زندگی میلیونها نفر کارگران و دیگر زحمتکشان باقی نمی گذارد. و این در شرایطی است که دولت جمهوری اسلامی از بالا بردن سطح دستمزدها امتناع میورزد و هرگونه اعتراض کارگران و اعتصاب آنها را سرکوب می کند.

امتناع سران رژیم از حل مسئله مالکیت و تعیین حدود آن، عدم برنامه های علمی و دقیق برای رفع نابسامانیهای صنعتی و کشاورزی، عدم صلاحیت و کارائی دست اندر کاران اقتصادی ایران و بدبخش حاکمیت اقتصادی را در معرض ورشکستگی تام و تمام قرار داده است. بموجب آمار دولتی در حال حاضر ۷۵٪ مواد اولیه کارخانه ها و ۹۵٪ ماشین آلات مورد نیاز صنایع از خارج و در درجه اول از کشورهای امپریالیستی تأمین می شود. برای به حرکت در آوردن چرخ های صنعتی سالیانه بیش از ۷ میلیارد دلار از صرف تأمین مواد اولیه ویدیکی میشود، بسیاری درک عمق این وابستگی و دهنشتاک کابسته بگوئیم این رقم ۱۲٪ تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد. به بیان دیگر جمهوری اسلامی در ارازا اشتغال هر کارگر در بخش صنعتی سالیانه حدود ۱۰ هزار دلار از صادر می کند.

سال گذشته بیش از ۱۴/۷ میلیارد دلار صرف خرید کالا از خارج شد. علاوه بر مواد اولیه ویدیکی، بخش قابل ملاحظه این مبلغ صرف خرید کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه داری گردید. هم اکنون جمهوری اسلامی سالیانه ۲ میلیون تن گندم، ۲ میلیون تن علوفه ۶۰۰ هزار تن برنج و ۴۰۰ هزار تن گوشت از خارج وارد می کند. در سال ۶۱ ارزش مواد غذایی وارد شده به کشور به ۴ میلیارد دلار رسید، که برعکس بیش از واردات مشابه قبل از انقلاب است. و این واقعیت نموداری بی چون و چرای ورشکست کشاورزی است. رد قانون نیم بند اصلاحات ارضی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی و باز پس گرفتن اراضی تقسیم شده از دهقانان با توسل به قوای سرکوبگر نمی توانست بیش از این حاصلی داشته باشد. ارقام فوق می بین آنست که جمهوری اسلامی با سماجت سیاست اقتصادی - اجتماعی رژیم سرنگون شده را در نسیال میکند. گسترش بیسابقه معاملات با انحصارهای ژاپنی، آلمانی، غربی، ایتالیائی، فرانسوی، آمریکائی و غیره، اختصاص ۸٪ واردات کشور به آنها و گمانیهای تحت نظارت این انحصارها در ترکیه، پاکستان، برزیل و کره جنوبی، افتتاح دوباره نمایندگیهای انحصارهای چند ملیتی در تهران، هجوم نمایندگان انحصارهای خارجی به ایران برای احیای قراردادهای اسارت آور اقتصادی اعضا شده در دوران شاه، احیای قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی، سرانیز شدن خیل مستشاران و کارشناسان غربی به کشور، آغاز مغازه به "سیمطان بزرگ" در دو سال اخیر آغاز پایان استقلال ملی است.

چندی قبل مقامات مسئول وزارت امور اقتصادی و دارائی اعتراف کردند، که در حال حاضر ۱۸۰ واحد صنعتی با سرمایه خارجی از مجموع ۲۵۴ واحد موجود قبل از انقلاب در ایران

# گزارش درباره وضع جهان و ایران

فغانند و همچنان مشمول قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی هستند . سران جمهوری اسلامی پنهان نمی‌کنند که جذب و پذیرش سرمایه‌های انحصارهای خارجی همچنان ادامه خواهد یافت . سهم سرمایه خارجی در این واحدها بین ۳۵ تا ۱۰۰ درصد است . مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن از جمله بزرگترین موسسات مختلط بشمار می‌رود . در صنایع داروسازی صد درصد سهام متعلق به انحصارهای خارجی است .

آنچه در این مورد جلب نظر میکند علاوه بر مفرط سران جمهوری اسلامی به همکاری نزدیکی با انحصارهای آمریکائی است . مقامات دولتی که در نهان به زدوبند با امپریالیسم آمریکا مشغولند برای جلب حمایت آن ، طی ماههای اخیر ۲۰ فقره ادعای انحصارهای آمریکائی را برآورده ساختند و بدین سان بیش از ۸۹۰ میلیون دلار وام و بهره و نیز بعنوان خسارت به آنها پرداختند . متعاقب این اقدام دولت ارسال مجدد سلاحهای آمریکائی به ایران آغاز شد . اگر در گذشته مقامات دولتی ایران از طریق واسطه‌های بین المللی با انحصارهای اسلحه سازی آمریکا ارتباط داشتند ، اینک مستقیماً با آنها در تماسند .

تد ابیر جمهوری اسلامی در زمینه برسیمت‌شناختن ، مالکیت نامحدود ، بازبین دادن صنایع ملی شده به سرمایه داران فراری ، بازگرداندن اموال صادره شده عمال امپریالیسم در ایران ، احیای قانون عیقا ، ضد ملی شاه برای جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی بمعنای تضمین سرمایه انحصاری خارجی و اجازه صدور اشل سرمایه و سود آن از کشور ، طرح قانون کار ارتجاعی ، سرکوب انتصابیهای کارگری ، نگهداشتن دستمزدها در سطح نازل ، که در مجموع خواست انحصارهای چند طبقی را جهت ایجاد "جولان" برای سرمایه گذاری برآورده می‌سازد ، هدی فی جز احیای نظام منحصه سرمایه داری وابسته ندارد .

فازتگری کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و سپطره مجدد انحصارهای امپریالیستی پس اقتصاد ، شرایط توانفرسائی برای زحمتکشان فراهم آورده است . وجود بیش از ۳ میلیون نفر بیکار و حدود ۲ میلیون نفر آوارگان جنگ و فقر و مسکنت ۹۵٪ ساکنین روستاها با زرتاب ایمن سیاست‌مدان است . دستخیز اندک ، گرانی سرسام آور هزینه زندگی ، کمبود مایحتاج زندگی از سوئی و ادامه جنگ خانمان برانداز از سوی دیگر امکان زندگی در شرایط حد اقل را از میلیونها ایرانی سلب می‌کند .

جولگری از فعالیتهای سندیکی آزاد کارگران و شرکت آنان در اداره امور موسسات که یکی از خواستههای برحق آنانست ، امتناع از حل مساله ارضی پسود دهقانان کم زمین و بی زمین ، خودداری از حل مسئله ملی و توسل به زور برای سرکوب خلق کرد و دیگر خلقهایی که خواهان خود مختاری با حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورند ، تحویل ستم پیش از پیش‌دوانه بر زرتاب و ایجاد مواج کنگوگان در مقابل شرکت آنان در امور اجتماعی و دولتی ، ممانعت از اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی ، اجرای سیاستهای انحصارگراییانه و قضری نسبت به مسائل فرهنگی و آموزشی ، زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق مردم در زمینه آزادیهای دموکراتیک ، کشتار و قلع و قمع گراندمندان ، الغای کامل آزادی بیان ، قلم ، احزاب ، سندیکاها و سازمانهای صغی دیگر و دیگری تد ابیر ارتجاعی بیانگر عدول آشکار سران جمهوری اسلامی از وعده هائی است که به توده‌های مردم داده بودند و نشانگر جهت‌گیری آنان براسات در عرصه سیاستهای داخلی است . ما بر آنیم که آزادیهای دموکراتیک شرط قطعی حرکت جامعه به پیش و تضمین تحولات عمیق اجتماعی مردمی بوده و خواهد بود .

تردیدی نیست که ادامه جنگ ایران و عراق به نفع امپریالیسم آمریکا و به ضرر دو کشور در جنگ است . جنگ بهانه‌های اضافی به امپریالیسم برای تقویت موضع نظامی خود در منطقه داده است . سران جمهوری اسلامی یا رد هرگونه پیشنهاد صلح و اصرار به ادامه جنگ که تاکنون صد هجا هزار کشته و علییل پجای گذارده و خسارات عظیم مالی به کشور وارد ساخته ، آب به آسیاب چه کسانی جز امپریالیسم آمریکا می‌ریزند؟

موضع حزب توده ایران در مورد جنگ تحمیلی روشن است . ما از روز نخست معتقد بودیم امروز نیز بر آنیم که اختلافات موجود بین دولتها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود . ولی هنگامی که میهن ما مورد تجاوز قرار گرفت ، حزب توده ایران عزم راسخ خود را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ثابت کرد . مردم ایران فداکارانه از وطن انقلابی خود دفاع کرد و و منجاوز را تاپشت مرزهای کشور عقب راندند .

پس از عقب راندن متجاوز ، حزب ما بد رستی ضرورت آغاز مذاکرات صلح را مطرح و با پیگیری از آن دفاع کرد . ولی سران جمهوری اسلامی در کشاندن جنگ به خاک عراق و تحویل رژیم مورد نظر خود به مردم عراق اصرار می‌ورزیدند . ما مودکاً تکرار می‌کنیم که ادامه جنگ جز ینفع امپریالیسم و در رجه اول امپریالیسم آمریکا نبوده و نخواهد بود . سران جمهوری اسلامی که همه تلاشها در راه پایان دادن به جنگ خانمان برانداز از عقیم گذارده اند ، با اظهارات بی مسئولیت دابیر به تهدید شیخ نشینهای خلیج فارس به بمباران هوائی و بستن تنگ هرمز عملاً به ادامه سیاست ماجراجویانه و تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در منطقه یاری می‌کنند . تضاد فی نیست که هر بار پس از تهدید های سران رژیم ایران ، وزارت خارجه آمریکا تصمیم واشنگتن دابیر به "دفاع از تنگه هرمز را با توسل به زور اعلام می‌کند .

اگر نظر سران جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه جنگ بین دو کشور محصول تحریکات آمریکاست صادقانه بیان می‌شود ، در اینصورت مد افعان ادامه جنگ و یا آنهائی که جنگ را "رحمت الهی" ، عامل تغییر ساخت اقتصادی " و بالاخره "برکت خداوند" می‌نامند ، عملاً با امپریالیسم جنگ افروز در یک صف قرار می‌گیرند . آنها با ستایش جنگ و اصرار در ادامه آن به تحقق نقشه های امپریالیسم که در پی ایجاد کانونهای تشنج و درگیری در مناطق مختلف جهان و فراروش آنهاست به جنگ جهانی است ، کمک می‌کنند . ترک مواصمه و انعقاد صلح با شرایط عادلانه به نفع خلقهای دو کشور و به زیان امپریالیسم است و هر چه زودتر باید عملی گردد .

سران رژیم سیاست سرکوب و ترور نیروهای انقلابی و دموکراتیک را با شدت بی سابقه‌ای بسط و ادامه می‌دهند . خصلت عین این مرحله از سیاست رژیم در عرصه داخلی توسل هرچه بیشتر به شیوه‌های قرون وسطائی نفیض عقاید ، شکنجه و قتل دگراندمندان و تشدید سیاست ضد ملی کمونیسم ستیزی ، تحویل ایدئولوژی رسمی هیئت خاکمه به عنوان تنها گرایش سیاسی جامعه است .

رایج ترین وسیله در اجرای این سیاست ضد ملی بهره‌گیری از ارگانهای گوناگون سرکوبیاشراکت گسترده ماموران سابق ساواک می‌باشد .

چرخش براسات در سیاست خارجی رژیم نیز آشکارا به چشم میخورد . رویدادهای سالهای اخیر بیانگر آغاز چرخش در سیاست خارجی بسوی امپریالیسم و تأثیی از امیال واشنگتن است ، که ضد انقلاب ، راستگرایان درون حاکمیت و عمال امپریالیسم در هر جا و مقامی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در قالب "کودتای خیزنده" یا پیگیری تدارک دیدند . منظور مجریان "کودتای خیزنده" تبدیل کشور به زانده اقتصادی ، اجتماعی ، نظامی و فرهنگی سیستم سرمایه‌داری انحصاری جهانی است . جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم با شوروی ستیزی که از ۲ سال پیش توسط نیروهای راستگرا و ارتجاعی دامن زده شد و در ماههای اخیر به نقطه غلیان رسید ، هدف منحرف ساختن توجه افکار نظراتی در سیاست نزدیکی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی به دول امپریالیستی و از جمله امپریالیسم آمریکاست .

سران جمهوری اسلامی می‌کوشند تا این تغییر سیاست را زیر سرش شعار "نه شرقی ، نه غربی" پنهان دارند . منظور آنان از گذاشتن علامت تساوی و برقراری شباهت بین اقتصاد شوروی و ایالات متحده آمریکا است . آنها قاصله گرفتن به یک انداز از این دو کشور را پس‌درون در نظر گرفتن ماهیت نظامهای اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی حاکم بر آنها توصیه میکنند ، در حالی که عملاً هرچه بیشتر به امپریالیسم آمریکا نزدیک تر میشوند . تجربه تاریخی چند دهه اخیر نشان داده است که حاملین چنین نظراتی در برابر زود بدمان امپریالیسم پناه می‌برند . در جهان معاصر دو جنبه متضاد رویاری هم قرار دارند : جنبه نیروهای ضد امپریالیستی ، مبارزین راه آزادی و استقلال و ترقی اجتماعی و در رأس آن اتحاد شوروی از سوئی و نیروهای ارتجاعی امپریالیستی ، دشمنان سوگند خورده و مظلوم و ستبدیده بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر مبارزه ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی جدا از جنبه ضد امپریالیستی امکان پذیر نیست . سران رژیم در این زمینه نیز به انقلاب پشت کردند و عملاً سیاست هموارساختن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و نزدیکی هرچه بیشتر به غرب را پیش گرفتند . به هیچ وجه تضاد فی نیست که تیرگی روابط ایران و شوروی و اوج هیستری شوروی ستیزی در جمهوری اسلامی ایران با اعلام "جنگ صلیبی" بیگان علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همزمان شد .

تعیین کنندگان شی سیاست خارجی ایران که "ضدیت با کفر جهانی" را مبنای دیپلماسی و اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی معرفی میکنند ، با در پیش گرفتن این سیاست آگاه یا ناگاه عملاً با رئیس‌جمهور آمریکا هم آواز میشوند .

هسانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی با ایالات متحده آمریکا را در مناسبات ایران یا اکثر کشورها می‌توان مشاهده کرد . مخالفت جمهوری اسلامی با ایجاد روابط دیپلماتیک با کشورهای کابوچ و لائوس ، تیره کردن روابط با کشور دوست و همسایه ما افغانستان و مداخله در امور داخلی آن ، تبعیضات بزرگ در مناسبات با کشورهای ضد امپریالیست نمونه‌های دیگری از ایمن هسانی رویه به تریاید را بیان می‌کند .

ما معتقدیم که امپریالیسم در تلاش خود برای صدور ضد انقلاب خیزنده همیشه کوشیده و می‌کوشد ، خلقهای محروم و جنبشهای آزادیبخش و کشورهای ضد امپریالیست را از دستان طبیعی جهانی خود کشورهای سوسیالیستی ، بهیژه اتحاد شوروی جدا کند و بدینسان زمینه را برای تحکیم مواضع داخلی هواداران خود و نیروهای ارتجاعی فراهم سازد . هم اکنون ما شاهد این روند در میهن خود هستیم . تجربه تاریخی مود آستانکه هرجا امپریالیسم موفق به تحقق این سیاست گردیده ، جنبش انقلابی در آن کشور سرکوب و سلفه امپریالیسم برقرار شده است .

## یورش به حزب توده ایران ، علل و عوامل آن

ترویس افسار گسیخته حاکم بر کشور ، هیستری ضد توده‌های بدبجانه که در سالهای اخیر توسط نیروهای راستگرا و ارتجاعی با شدت روزافزونی جریان داشته و در بهمن ماه سال قبل به یورش وحشیانه به حزب توده ایران ، دستگیری هزاران نفر از اعضا آن ، جرح و ضرب و قتل توده‌ها و به آتش کشیدن خانه و کاشانه آنان و بالاخره پکار گرفتن سیاست ترور و اختناق بصورت انواع وحشیگرها و سفکا و اعمال شیوه های به عاریت گرفته شده از ساواک و سیا و انتلیجنس سرهیس و مصاد بقصد گرفتن "اعتراف" به غیر قانونی اعلام کردن فعالیت حزب توده ایران منجر گردید ، یکی دیگر از مظاهر چرخش براسات هیئت حاکمه ایران است .

اکنون پس از گذشت قریب ۱۰ ماه و نشر و پخش صدها مقاله ، سخنرانی و برنامه ضد توده‌ای و انواع صحنه سازنهای تلویزیونی بزور شکنجه های حیوانی برای همه انسانهای شرافتمند روشن است ، که هدف گردانندگان این صحنه سازنیا ، لطمه زدن به وجهه حزب توده ایران و مقابله غیر شرافتمندانه با ایدئولوژی آن است .

جنبه متحد ضد انقلاب داخلی با یاری مستقیم و غیر مستقیم دشمنان خارجی انقلاب همیشه امکانات خود را ارزیابی ، بسج و متشکل ساخته و انقلاب ایران را تالب پرتگاه نابودی کساننده است . این تلاش مستمر ، همانطور که اسناد و مدارک حزب ما و اظهارات و اعلامیه های دیگر نیروهای وفادار به آرمانهای انقلاب حکایت از آن دارد از فردای پیروزی انقلاب در مرحله سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جنایتکار آمریکا آغاز شده . حزب توده‌های ما با تلاش خستگی ناپذیر علیرغم همه ترقندها ، مانع تراشیاها ، محدودیت و کارکنیها در خطرناک ترین لحظات کوشید تا مانع از انحراف ، سرکوب و انهدام انقلاب شود .

برای حسی که بر پایه نیازهای رشد و تکامل جامعه موجود آمده است چه وظیفه‌های مقدس تر ، قانونی تر و انسانی تر از حفظ و حراست انقلاب آزادیبخش میهن ما و مبارزه در را استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی در وطن ما میتوانست و میتواند وجود داشته باشد . امروز امپریالیسم و ارتجاع داخلی ما را زیر ضربه قرار داده است که چرا با چشم و گوش باز و با قلبی گرم اینترگرانه در راه پیروزی ، حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب کوشیدیم . این قسمتی از "گاه" ناخوشدنی ماست . حزب ما بنا بسن انقلابی استوار دبیرین خود جان برکف ، با راهی روشن از ایدئولوژی سوسیالیسم علمی ، سابقه مبارزات درخشان علیه وابستگی ، اسارت و عقب ماندگی میهنان آنچه شایسته مقام اجتماعی و تاریخی آنست انجام داده و میدهد . باز همین ایدئولوژی مردمی ، همین سابقه مبارزات درخشان و همین قبول روزافزون مقام شاخ اجتماعی و رسالت حزب از طرف توده‌های زحمتکش ایران است ، که با خروارها اتهام سیا ساخته با شلاق و شکنجه های قرون

وسطانی ، از طرف امپریالیسم و ارتجاع مورد حمله قرار گرفته است.

آنچه امروز از زبان گردانندگان جمهوری اسلامی در تحریف مبارزات و فعالیت‌های حزب در قبل و بعد از پیروزی انقلاب گفته میشود جز با ، دروغ شرم آور بمنظور توجیه یورش خائنه به حزب مدافع انقلاب و خیانت به آرمانهای انقلاب چیز دیگری نیست.

آن دو دمنش و شکنجه وحشیانه‌ای که نسبت به جمعی از افراد رهبری و کادرها و اعضا بازداشت شد محرز شده است. ایران اعمال میشود قسماً بدلیل نقش ارزنده‌ایست که حزب پس از پیروزی انقلاب برای خنثی سازی توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسردمداری امپریالیسم آمریکا ایفا کرده است و نیز بخاطر موضع روشن ، قاطع و استوار حزب در مبارزه برای تأمین حقوق واقعی توده‌های زحمتکش میهن ماست.

نگاهی گذرا به حقایق مربوط به نقش حزب توده ایران در خنثی سازی توطئه‌های براندازی ما را به نتایج دقیقی میرساند، که ارتباط مستقیم به یورش پرمشانه اخیر به حزب توده ایران و سرنوشت انقلاب دارد.

همانطور که در بازجوییها و اعترافات متهمان شرکت در توطئه‌های براندازی جمهوری اسلامی بارها به صراحت عنوان شده بود ، از رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی نیز پخش شده است ، ترور و دستگیری و اعدام فعالین حزب توده ایران یا همزمان با اجرای توطئه ویا چندساعت پس از موفقیت اولیه توطئه در دستور کار توطئه چینان بوده است.

میتوان با صراحت گفت که هدف این یورش‌ها تنها حزب توده ایران بلکه آرمانهای انقلاب بزرگ مردم میهن ماست. تأثیر نیرومندی که حزب پشتیبان هوشیار انقلاب - حزب توده ایران در امر ضرورت تدایم انقلاب بر توده‌های مردم کشور ما گذشته است امپریالیسم و ارتجاع داخلی را واداشته است که سنگینی حمله خود را متوجه همین جنبه توانمند حزب توده ایران بنماید و با شکنجه و فریب و ترس ، حزب افشاگر و خنثی کننده توطئه‌های براندازی رایبه حزب توطئه‌گر در راه براندازی انقلاب معرفی کنند.

در اعلامیه‌هایی که از طرف کمیته برون مرزی حزب توده ایران طی این مدت منتشر شده شوه‌های وحشیانه اعتراف گریه‌ها و چگونگی سرهمبندی سناریوهای جاسوس‌گیری بیان شده و احتیاجی به تکرار آنها نیست.

با وجود به کار افتادن ماشین مطبوعاتی رژیم و کمک بیدریخ رسانه‌های گروهی امپریالیستی در اشاعه یاره گویهای مقامات ارتجاعی ایران برهنده سازان ساواکی نتوانستند به هدف‌های خود نائل آیند. توده‌های زحمتکش و روشنفکران میهن دوست این اعمال فید بشری را محکوم کرده و میکنند سطح آگاهی توده‌های زحمتکش، که در کوره انقلاب آید پدید آمده در جاسوسیست که دیگر نمیتوان آناترا با چنین دروغها و افسانه سراینده از راه بد برهنده آنها مبارزات قهرمانانه حزب را در دوران استبداد سلطنتی و دوران پس از انقلاب بخاطر دارند.

رفقای عزیز!

در جهان مبارزهای سخت و بی امان در جریان است - مبارزه ایدئولوژیک بین طرفداران و مخالفان استعمار و استعمار نو. این نبرد بازتاب وجود و نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم حاکم بر جهان است. مبارزه ایدئولوژیک بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری به معنای آن نیست که از هر وسیله مردم ، زشت و ضد بشری می‌توان استفاده کرد. توسل به شتمت و تکیه بر زور در مبارزه ایدئولوژیک نشانه ضعف ایدئولوژی و زبونی اندیشه است. دشمنان حزب توده ایران در مبارزه ایدئولوژیک با ما همیشه این راه را انتخاب کرده‌اند. "حزب توده بی دین" ، "حزب کفر" ، "گروه الحادای حزب توده" و غیره اصطلاحاتی است که در سخنرانی‌های و خطبه‌های مبلغین رژیم بکار برده می‌شود. آنها میگویند تودماها " مدتها کار فکری و فرهنگی کرده بودند ، گفتنها خط فکری بوجود آورده بودند " و گویا " در این مملکت عنصر ضد خدا می‌ساختند " در یاره اینگونه اظهار نظرها چه میتوان گفت. نخست باید تذکر دهیم که دشمنان حزب توده ایران تنها بقای می‌روند. تکیه روی " الحاد " و " ضد خدا " و غیره در مبارزه‌ایکه خود آقایان آنرا فکری و فرهنگی مینامند ، هدفی جز سوء استفاده از باورهای مذهبی انسانها و عوام فریبی ندارد. رابطه حزب توده ایران با مذهب برای همگان و از جمله سردمداران رژیم معلوم است. حزبی که از اید و تأسیسات بازموز پیگرانه برای آزادی کامل وجدان و عقیده مبارزه کرده ، مانند دیگر احزاب طبقه کارگر به معتقدات و باورهای مذهبی مردم احترام میگذارد. حزب توده ایران یک حزب سیاسی است و در راه آرمانهای سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و متحدان آن در شهر و روستا مبارزه می‌کند.

استفاده از مذهب و دین بعنوان چماق تکفیر از طرف نیروهای ارتجاعی و استثمارگرانه تاریک دارد و نه از ابتکار ت. سران جمهوری اسلامی است. رونالد ریگان نماینده ارتجاعی ترین جنساح امپریالیسم آمریکا که هم اکنون از امریکای مرکزی گرفته تا خاور میانه به کشتار انسانهای محروم فرمان میدهد ، در مبارزه ایدئولوژیک علیه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از این شیوه مطرود استفاده می‌کند. انگیزه امپریالیسم جنایتکار امریکا روشن است. کشورهای سوسیالیستی ، که به بنام نظام غارتگر سرمایه پایان داده و حاکمیت زحمتکشان را مستقر ساخته‌اند نمی‌توانند مورد پسند حامیان و مدافعان سرمایه باشند. ولی وقتی هیئت‌هاکمه ایران که شب و روز در کربنای تبلیغاتی دفاع از " مستضعفین " می‌دبند در تبلیغات خود علیه کمونیسم و کمونیستها دشادوشی‌ریگانه و تاجر‌ها گام بر میدارند ، این عمل آنها را چگونه باید تعبیر کرد ؟

گاه اساسی حزب توده ایران همان چیزی است ، که آقایان " کار فکری " ، " فرهنگی " و یا " خط فکری " می‌نامند و منظورشان جهان بینی و ایدئولوژی حزب است. آری سئله "حزب توده ایران مسئله جهان بینی حزب است و مسائل دیگر اتهام پیش‌مانه برای پوشاندن حقیقت است. اجازه بدید رفقا از امام جمعه موقت قم عضو شورای نگهبان نمونه‌ای بیابیم. وی به‌هنگام بحث پیرامون یورش وحشیانه به حزب توده ایران و اعضای آن این عمل ضد انسانی را " فتح المبین " نامید و گفت : " این از فتح در جنبه‌های جنگ ارزش بیشتری داشت. آنجا تنسح نظامی است. اما اینجا مسئله دخالت در افکار مردم است. اینجا یک عده به نام دلسوسوزی برای مردم فقیر و بیچاره این خطر را معرفی می‌کنند. و عده‌ای که از دست مستکاران به تنگ آمده بودند سنگری برای مقابله با دشمنها جز این سنگر نمی‌شناختند و اینها باورشان آمده بود و از روی عقیده بسیاری معتقد بودند که اگر ما بخواییم از کارگر و کشاورز از ضعیف و بی‌توا حمایت کنیم باید در این سنگر به نشینیم و سنگر دیگری وجود ندارد."

رفقای عزیز! بنظر می‌رسد باید از امام جمعه موقت قم قدردانی کرد، که لااقل برای یک بار هم باشد انگیزه دشمنان حزب را از حمله به حزب، بدون توسل به سبیطه و تحریف بیان داشته

است. این اظهارات مؤید آنستکه یورش به حزب توده ایران کوچکترین ارتباطی با اتهامات سنیا و ساواک ساخته ندارد و یگانه علت را باید در یورش توده‌های زحمتکش به نظرات و پیشنهادهای است و بر نامه‌های ارائه شده حزب توده ایران جستجو کرد. و این نیز دلیل انکار ناپذیری است بر این که حزب توده ایران از زرفای نیاز طبقاتی جامعه برخاسته و یگانه امید و ناگاه توده‌های تحت ستم و تنها سنگر زحمتکشان برای مقابله با زالیهای اجتماعی میباشد و این وظیفه سنگینی در برابر اعضا حزب توده ایران و کمیته مرکزی آن قرار میدهد.

اکنون دیگر تردیدی وجود ندارد که اتهام " جاسوسی " و گرفتن " اعتراف " از سوسی برای صورت قانونی دادن به نقش آشکار مواد قانون اساسی دایره به آزادی فعالیت احزاب و اعمال انسانی ارگانهای سرکوبگر و از سوسی دیگر برای خاموش کردن اوج اعتراض بحق میهن پرستان در داخل و نیروهای مترقی در جهان ضرورت داشته است.

ولی سیر حوادث نشان داد که هیچ یک از اهداف رژیم عملی نشد و موج دفاع از حزب توده ایران سراسر جهان را فرا گرفت. ما وظیفه خود میدانیم که بنام کمونیسم مرکزی حزب توده ایران از همه احزاب برادر کمونیست و کارگری در سراسر جهان ، از همه سازمانها و جمعیت‌ها و شخصیت‌های مترقی که در لحظات دشوار و حساس در تاریخ حزب و میهن ما در کنار ما قرار گرفتند صمیمانه تشکر کنیم. امروز هم مانند دیرین هیچ نیروی قادر نخواهد بود حزب ما را از خانواده عظیم احزاب برادر جدا سازد. حزب توده ایران در آینده نیز مانند گذشته پیروچ

پرافتخار انترناسیونالیسم پرولتری ، همسنگی با احزاب برادر کمونیست و کارگری و دوستی با کمون‌های سوسیالیستی را پرافراشته نگه داشته و با پدیدهای تاسیونالیستی و روشهای تفرقه چیوانا در نهضت کمونیستی و کارگری جهانی مبارزه خواهد کرد.

بر خلاف ادعای دشمنان ، حزب ما مدافع سرسخت حاکمیت ملی و منافع حقه ملی میهن ماست. حزب ما در همان حال که انترناسیونالیسم پرولتری را پایه سیاست خود قرار داده است ، پیگیرتر و سرسخت‌ترین مدافع استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی میهن ماست. خصلت انترناسیونالیسم تالیست حزب ما نه تنها ناقص میهن پرستی آن نیست ، بلکه این دو دارای پیوند دیاکتیکی بوده و مکمل یکدیگرند. امیل ترین میهن پرستی آن است که بر پایه احترام به حقوق تمام خلقها و ملت‌ها استوار باشد. برای اعضا حزب توده ایران استقلال وطن ، آزادی و نجات زحمتکشان از فقر و سیه روزی عالیترین آرمان بوده و خواهد بود. و این خصلت عالی بشری اعضا حزب ما از خصلت انترناسیونالیستی آن نشئت میگیرد.

دشمنان ما در تبلیغات گسترده‌ای که راه انداخته‌اند تشکیل حزب توده ایران ، رشد قدرت و فعالیت آنرا تحت سؤال قرار میدهند و آنرا یک امر اصطلاح جنونی و تزیین شده از خارج معرفی میکنند. این یک دروغ پیشروانه و تحریف تاریخ معاصر ایران است. تشکیل حزب توده ایران و گسترش وجهه آن یک ضرورت تاریخی و زائیده رشد ضامیات سرمایه‌داری و فئس طبقه کارگر بود. اگر چنین نبود طی ۴۲ سال نمیتوانست در طوفانهای صحت تاریخ میهن ما پایز جا بماند. چنانکه بسیاری از احزاب سیاسی دیگر نمادند ، زیرا منعکس کننده خواسته‌های اکثریت افراد جامعه نبودند. آنها از منافع این یا آن طبقه و قشر حاکم دفاع میکردند و همه با هم خواهان حفظ نظام غیر دموکراتیک موجود بودند. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی بود که با برنامه دقیق منطبق با شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور و در راه دفاع از منافع کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان در عرصه سیاسی کشور ظاهر شد. سرفقای حزب توده ایران علی‌رغم ضعیف‌ترین سهمینگی که بر آن وارد گردیده ، در جدابیت بی نظیر جهان بینی آن ، در دفاع پیگیر از منافع کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان و در استواری مبارزه آن علیه سلطه‌گری امپریالیسم بر میهن ماست.

وقتی ما از شکست توطئه تبهکارانه علیه حزب توده ایران سخن میگویم ، منظور برده پوشی ضربه سخت وارده بر حزب و سازمانهای آن نیست. سران جمهوری اسلامی پسنا استفاده از کلیه امکانات ، با بهره‌گیری از ارگانهای متعدد سرکوبگر و تبلیغاتی به مقابله با حزب ما برخاسته‌اند و در این راه از توسل به کیف‌ترین و مطرودترین شیوه‌ها ابا ندارند. آنچه امروز در شکست گاههای جمهوری اسلامی میگذرد کوشش عیثی است برای بازداشتن چرخ تاریخ از حرکت. تلاش کهنه علیه نو ، زور و سرمایه علیه آزادی و کار ، جپل و عقب ماندگی علیه دانش و ترقی با شکست مواجه خواهد شد.

تاکنون تعدادی از رفقای قهرمان ما زیر شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رسیده‌اند. و بسیاری از آنان ایثارگران از آرمانهای حزب قهرمانشان دفاع میکنند. تحریف بیند و بار تاریخ مبارزات حزب ، تکذیب وجود شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی ، نفی بدیهات علمی و فلسفی ، توجیه جنگ بی سرانجام برانگیز ، خودآزاری و نفی هستی و شخصیت خود ، صحت یا بیهیبتی حد و مرز شکنجه‌گران از طرفی و سبکست و مسخ عده‌های قربانیان توطئه از طرف دیگر میکنند. آنچه در شکنجه گاههای ایران میگذرد بیبوجه با تاریخ و فعالیت حزب توده ایران ارتباطی نداشته و ندارد. پنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام می‌کند آن گروه از اعضا رهبری حزب که در بندند تا زمانیکه در اسارت و زیر شکنجه هستند دارای هیچگونه مسئولیتی در سازمان حزبی نیستند و وضع حزبی آنان پس از روشن شدن تام و تمام اوضاع و موقعیت آنها در زندانهای رژیم مورد تعمیم گیری حزب قرار خواهد گرفت.

حزب توده ایران یورشهای وحشیانه و خونین زیادی را تحمیل کرده است. بی سبب نیست که حزب ما را حزب شهیدا می‌نامند. تاریخ پرافتخار حزب ما گواهی میدهد که سوزن فرزند آن همیشه و در سخت‌ترین شرایط توانسته‌اند با حفظ وحدت و یگانگی ، با انضباط آهنین ، فد اکاری و از جان گذشتگی مشکلات را پشت سر گذارند و هر بار نیرومندتر و منجم‌تر از پیش در عرصه مبارزه قد علم کنند.

وظائف حزب در مرحله کنونی

فوری‌ترین و عمده‌ترین وظیفه‌ای که اینک در برابر حزب قرار دارد احیای سازمانهای خود در کشور است. رفقا میدانند که پایگاه اصلی حزب ، طبقه کارگر است و مهمترین هدف سازمانی آن جلب پیشروترین و آگاهترین بخش طبقه کارگر به حزب و متشکل کردن مجموعه آن در سازمانهای کارگری ، ایجاد وحدت و تعاون میان طبقه کارگر و سایر طبقات و قشرهای زحمتکش و در درجه اول دهقانان و سبوق و رهبری آنان به میدان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه تحسول بنیادی جامعه است. در شرایط فعالیت مخفی باید طرق و شیوه‌های گوناگون تحقق این اهداف را جستجو و بمورد اجرا گذارد.

برای احیای سازمانهای حزب در داخل کشور، در شرایط مخفی، باید مراتب زیر در نظر گرفته شود:

- مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار عملی و مخفی و حفظ اسرار حزبی؛
- ایجاد شاخه‌ها و هسته‌های مجزا و استوار؛
- اجتناب از پیوستن شاخه‌ها و هسته‌ها به یکدیگر و حفظ استقلال هسته‌های کوچک؛
- مراعات قطعی انضباط حزبی؛
- مراعات اکید اصل پنهانکاری به‌مثابه عامل حیاتی در اجرای وظایف حزبی؛
- سبب و ساختن طرق اشاعه هرگونه اطلاعات حزبی و موظف ساختن همه افراد حزب به حفظ سربت؛
- سبب و ساختن راههای رخنه دشمن بدرون حزب؛

انجام این وظایف سنگین در شرایط دشوار کنونی مستلزم کوشش فراوان و همه جانبه رهبری و کادری حزبی است. ارگانهای رهبری حزب باید با در نظر گرفتن شرایط کار مخفی اصل کار جمعی با حفظ مسئولیت فردی را مبنای کار خود قرار دهند و از بکار بردن شیوه‌های فرمادنی و اداری اجتناب جویند و از طریق بسط انتقاد و انتقاد از خود نواقص کار را رفع نمایند. سازمانهای حزبی باید:

- عرصه کار و فعالیت طبقه کارگر را به‌عنوان عده اشاعه نظرات حزب مبدل کنند؛
- برنامه حزب را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به میان توده‌های زحمتکش، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان و روشنفکران ببرند؛
- برنامه حزب برای تأمین حقوق خلق‌ها و اقلیت‌های ملی را در معرض قضاوت خلق‌های ساکن مبین ما قرار دهند؛
- خط مشی حزب و نظرات آنرا پیرامون ضرورت شکل نیروهای انقلابی ملی و مترقی در جبهه واحد تبلیغ کنند؛
- در سازمان دادن و هدایت مبارزه زحمتکشان شرکت فعال جویند.

در اجرای اصل تلفیق کار عملی و مخفی باید به‌کار در بین مردم و در سازمانهای توده‌ای از نظر وصول به هدف‌های حزب، برای بهبود وضع زندگی و شرایط کار توده‌های زحمتکش، مبارزه در راه تأمین آزادیهای دموکراتیک، مبارزه علیه سلطه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و اعمال غیر انسانی " تروریست‌های اقتصادی " مبارزه علیه گسترش مجدد نفوذ امپریالیسم و زد و بند پشت پرده با امپریالیسم آمریکا و پایان دادن به جنگ خانمانسوز اهمیت ویژه‌ای داده. در سازمانهای توده‌ای - شورایی کارگری، دهقانی و کارمندی - سازمانهای جوانان و زنان، شرکت‌های تعاونی مصرفی و غیره است که حزب می‌تواند با توده‌های میلیونی مردم در تماس دائم باشد و آنها را در رسیدن به حقوق عادلانه خود هدایت کند.

از لحاظ اهمیت خاص شرکت دهقانان در مبارزه علیه بزرگ مالکان و نیز با در نظر گرفتن کار-شکنی‌های محافل ارتجاعی در حاکمیت پیرامین اصلاحات ارضی رادیکال، باید به فعالیت در میان دهقانان توجه ویژه مبدل داشت.

در مرحله کنونی مبارزه تبلیغاتی پیوسته تبلیغات کتبی حزب نقش ویژه‌ای دارد؛ رؤس مطالبی که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. بقرار زیر است:

- تجدید سازمان فعالیت مطبوعات حزبی بر اساس خط مشی صوب پانوم به قصد پایان دادن به نوع نوساناتی در عرصه نظرات حزب و خط مشی آن
- کوشش در راه ایجاد هم آهنگی فکری در نوشته‌ها، مضمون مطبوعات حزبی باید روشن، منطقی، قانع‌کننده، مستند و راه گشا باشد؛
- توجه خاص به نقش مهم سازماندهی مطبوعات؛
- انعکاس خواست‌های مترقی و مطالبات عاجل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توده‌های زحمتکش در مطبوعات و نشریات حزبی؛
- حمایت از کلیه مجاهدات و مساعی گروههای مترقی اپوزیسیون در مطبوعات حزبی؛
- محکوم کردن هر گونه بازداشت و محاکمات غیر قانونی، هر نوع شکنجه بدین در گرفتن وابستگی سازمانی.

تصرف آید تلویزیون وسیع به منظور عقیم ساختن تبلیغات سو گروههای ضد توده‌های ضد شوروی - توجه ویژه به امر صلح و جنگ که حیاتی‌ترین در روی زمین وابسته به چگونگی حل‌انست افشاء سیاست تروری و زور امپریالیسم سرکردگی آمریکا و توضیح سیاست صلح طلبانه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آنان اتحاد شوروی

- افشاء همه جانبه امپریالیسم، صهیونیسم، نژاد پرستی و آپارتاید.
- پشتیبانی همه جانبه و وسیع از جنبشهای آزادیبخش ملی در سراسر جهان
- هیئت سیاسی منتخب پانوم موظف خواهد بود در اسرع وقت رهنمودهای لازم را در زمینه فعالیت تبلیغاتی و نشریاتی حزب با در نظر گرفتن رؤس کلی فوق الذکر تدوین و در اختیار سازمانهای حزبی قرار دهد.

حزب توده ایران علاوه بر مبارزه برای نیل به هدفهای عده، در راه تحقق یک سلسله هدفهای تاکتیکی که می‌تواند حرکتش را بسوی اهداف استراتژیک تسهیل نماید، مبارزه میکند. وظایف حزب در شرایط کنونی مبارزه که باید مورد توجه همه اعضا و نیز ارگانهای تبلیغاتی قرار گیرند در قطعنامه‌های پانوم هیچ‌گاه ابراه شده است.

مبارزه در راه تحقق این وظایف نقش مؤثری در بالا بردن سطح آگاهی زحمتکشان و تجهیز آنان دارد. کشور ما دوران بسیار حساس و بختی را میگذراند. بهین سبب شعارهای تاکتیکی ما نیز در ارتباط با ریدادها و تغییر اوضاع و احوال جامعه در حال تغییر و تکامل خواهد بود.

چنین است رؤس وظایف سازمانی و تبلیغاتی و نشریاتی حزب، که پانوم باید تصمیمات مقتضی در باره آنها اتخاذ نماید. شرط عده گامیابی حزب در مبارزه دشوار و مقدس‌انست که بتوانند سازمان خود را بر پایه مراعات اصول لنینی کار جمعی با در نظر گرفتن شرایط کار مخفی تحکیم بخشد. بدین جهت کلیه سازمانهای حزبی باید در کار خود از این اصول پیروی کرده و اصل مخفی کاری قویاً مورد توجه قرار گیرد. فقط در چنین صورتی است که ما می‌توانیم سازمانی منسجم، متحد و منضبط و منبکر بوجود آوریم. مسئله اصلی و تحکم سازمانهای حزبی متحد و منضبط در کشور مسئله است دشوار، که تنها در صورت اجتناب از کار جدولانه و در صورت انتخاب صحیح افسرانی متناسب از نظر صداقت به جهان بینی حزب و مقاومت در برابر دشمنان و هر گونه سختی و دشواری

گام یگام ممکن است. کار حزبی باید به نحوی که شورش بیشتر و ضربه پذیری آن کمتر باشد و بسا بکار بردن حد اکثر هوشیاری انقلابی برای جلوگیری از نفوذ دشمن در حزب سازمان داده شود. تجدید تشکیلات حزب در کشور مهمترین، حادثه‌ترین و مرکزی‌ترین مسئله ما در حال حاضر است. بدین حل این مسئله مهم و حیاتی حل دیگر مسائل ممکن نیست. در شرایط کنونی وظیفه اعضای حزب تشخیص درست خواستها و مطالبات توده‌های زحمتکش کارگران، دهقانان و شرکت فعال در مبارزه رزمه برای تشکیل و بهبود شرایط کار و زندگی آنانست. بذرهائی که ما امروز در میان توده‌ها پخش میکنیم، فردا به نیروی مادی عظیمی مبدل خواهد شد. در پیشبرد اهداف انقلاب و تدابیر آن یاری خواهد داد.

### اتحاد عمل احزاب و سازمان‌های انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیست ضرورت تاریخی است!

اتحاد احزاب و سازمانهای سیاسی انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در جبهه متحد خلق، صرفنظر از نظرات سیاسی، معتقدات دینی و گرایش‌های اجتماعی آنان، پیرامون برنامه و خط مشی مشترک یکی از اصول میرم برای تجهیز نیروها در مقابل پارترجاع و اعمال امپریالیسم و مبارزه در راه تحول بنیادی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است.

نبرد مستمرد در راه وحدت عمل کلیه مبارزان آزادی و استقلال ملی در جبهه واحد یکی از اصول درخشان تاریخ مبارزه حزب توده ایران میباشد. " جبهه آزادی "، " جبهه مؤلف احزاب آزادیخواه "، " جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری " که دهه سالهای ۲۰ به ابتکار حزب توده ایران تشکیل گردید گامهای نخستینی بود. وحدت در تحقق این امر حیاتی، در سالهای بعد حزب ما بارها اهمیت تشکیل جبهه واحد را طی پیشنهادهای متنوع مطرح ساخت. شعارهای " جبهه واحد ضد استعمار "، " جبهه واحد نیروهای ملی "، " جبهه واحد ضد دیکتاتوری " و بالاخره " جبهه متحد خلق " که حزب ما هر یک از آنها را در مقاطع زمانی معین و در رابطه با مراحل خاص مبارزه، با در نظر گرفتن آرایش طبقاتی مطرح کرد، دلیل یازار قدر و منزلتی است که حزب توده ایران به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی قائل است.

تذکر این نکته لازم است که از همان آغاز جنبش انقلابی، میان همه نیروهای محرکه انقلاب یک نوع وحدت عمل اعلام نشده‌ای بوجود آمد. وحدت در تحقق در آن روزها در باره هدف مشترک فوری یعنی سرنگون ساختن رژیم سلطنتی و پایان دادن به سيطرة اقتصادی و سیاسی امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا پایه این وحدت عمل از پائین بدین توافق قبلی از بالا بود. با در نظر گرفتن این ویژگی جنبش انقلابی بود که حزب ما هم در مه‌ماه و هم در شهریور ماه ۵۷ طی اعلامیه‌های ضرورت اتحاد همه نیروهای سیاسی را در معرض قضاوت عام قرار داد. حزب توده ایران در شهریور ماه ۵۷ برنامه حداقل رامنشتر ساخت که می‌توانست پایه‌ای برای اتحاد همه نیروهای مترقی و انقلابی در تشکیل یک جبهه واحد و بسپهائی دولت انتقالی باشد.

جای تأسیف است که جنبش‌های حزب ما برای یافتن زمینه انتقالی با سازمانهای سیاسی مترقی دیگر به ثمر نرسید. مواعی که تاکنون بر سر راه وحدت عمل و اتحاد میان نیروهای انقلابی سیاسی و مذهبی قرار گرفته، برخلاف ادعای برخی از گروهها، ناشی از خواست توده‌های زحمتکش نیست، بلکه معلول پیشداوری‌های ذهنی مخالفان اتحاد است. اگر درست است که محافل ارتجاعی مسلط در حاکمیت با تمام قوا می‌کوشند از ایجاد تفرقه در میان نیروهای سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی و انقلابیون مذهبی بسود تثبیت موقعیت خود و احیاء مواضع امپریالیسم، کسلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان استفاده کنند، درست است که آنها از همه وسائل تبلیغاتی و ارگانهای سرکردگی در جهت ایجاد نفاق و تردید و سردت بین نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی سیاسی و مذهبی بهره میگیرند، در آنصورت تردیدی نمیتوان داشت که اتحاد احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی، عامل تعیین کننده و وثیقه اساسی پیروزی در نبردی است که اکنون میان نیروهای انحصار طلب، قشری از یکسو و نیروهای خلق از سوی دیگر در جریان است.

وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در عرصه آید تلویزیون و سپس پیرامون چگونگی تدام انقلاب و هدفهای در رتر جامعه ایران امریست طبیعی - آنچه حائز اهمیت است نکات مشترک پیرامون هدف عده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریانهای سیاسی نامبرده است، که شرایط عینی برای مذاکره و یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مشسی سیاسی بوجود میآورد.

ما معتقدیم که در اتحاد نیروها تکیه را باید روی مسائل مورد توافق گذارد، از عده کردن مسائل مورد اختلاف بپرهیز کرد. زیرا اگر اختلاف نظری وجود نداشت نیازی به اتحاد در جبهه واحدی نبود.

دوم مه‌ماه ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه سرگشاده‌ای خطاب به همه مردم و همه سازمانها و گروههای هوادار انقلاب منتشر ساخت، که در آن گفته می‌شد: " بنظر حزب توده ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی مبین ما قرار دارد، بویچود آوردن جبهه متحد خلق از همه نیروهای است که خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و ده یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران مبین پرست و سرمایه‌داران کوچک و متوسط ملی را در سراسر ایران پایه سیاسی و عملی خود قرار میدهند.

تنها تشکیل چنین جبهه‌ای می‌تواند همه نیروهای خلق را برای بازسازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجبوز کند، عناصر افراطی را مغرور سازد و دسیسه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش بر آب نماید. دستاوردهای انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و انقلاب را با گامهای پرتوانتر و پرشتاب تر به پیش برد.

چهار اصلی که در نامه سرگشاده یاد می‌شد عبارت بودند از برانداختن کامل رژیم وابسته و ستگرگ داشته، ریشه کن کردن تسلط فائزنگرانه و استیلا جبهانه امپریالیسم و صهیونیسم، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلقهای ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملت‌های ساکن ایران، تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومان جامعه.

در دیماه همانسال حزب ما در آستانه انتخابات ریاست جمهوری طی بیانهای برنامه مشترک " جبهه متحد خلق " را به تفصیل منتشر ساخت و اعلام کرد، که آماده است با همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی مذاخه خلق برای پی ریزی چنین جبهه‌ای یا همه نیرو همکاری کند.

با جرئت می‌توان گفت در صورتیکه در آن روزهای سرنوشت ساز نیروهای انقلابی به ندای حزب

توده ایران پاسخ مثبت می‌دادند امروز کشور ما به این صاحب‌عظیم دچار نبوده. جای تأسف است که هنوز هم برخی از رهبران گروه‌های انقلابی بدون در نظر گرفتن ضرورت حیاتی اتحاد نیروها مانند سابق موارد اختلاف را برجسته می‌کنند. مثلاً در مورد حزب ما سعی میکنند چنانچه بیانی و اصول ایدئولوژیک حزب را علت خود داری از اتحاد معرفی نمایند. آنها از اینکه چنانچه بیانی مارکسیسم-لنینیسم جهان بینی کلیه احزاب کمونیست و کارگری جهان است و نتیجتاً متحد کننده همه این احزاب، چنین نتیجه می‌گیرند که کلیه احزاب توده ایران فاقد استقلال است. کسانیکه مسائل را از این دیدگاه مطرح می‌سازند آگاهانه و یا نا آگاهانه آب در آسیاب محافصل ارتجاعی و عمال امپریالیسم می‌ریزند.

حزب توده ایران جهان بینی و اصول ایدئولوژیک و سازمانی مشخصی را که منطبق با خواستهای طبقه کارگر است انتخاب کرده زیرا حزب طبقه کارگر است. حزب توده ایران اصل اتحاد سازمانها را بر پایه حفظ استقلال عقیده‌های هر یک از آنها امکان پذیر می‌داند. توقع انصراف از اصول عقیدتی از هر حزب و یا سازمانی بقصد تأمین اتحاد با دیگر احزاب و سازمانها جز سلب استقلال حزب و مستحیل کردن آن در این و یا آن سازمان معنایی نخواهد داشت. چنین است حقیقتی که باید در مبارزه بخاطر اتحاد نیروها در راه تأمین استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در نظر گرفته شود.

حزب توده ایران در در بیان پس از انقلاب نیز کوشش فراوانی برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی، ملی و دموکراتیک بعمل آورد. حزب ما بویژه به همکاری تاریخی نیروهای که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران اهمیت زیادی قابل بود. باید متذکر شد که برخی سوءتفاهمات و تندیها در روابط حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران مشکلاتی را پیش آورد که در مجموع برپای نهضت ضد امپریالیستی مردم میهن ما تمام شد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهان تجدید نظر مثبت در این روابط است و به هیئت سیاسی جدید توصیه می‌کند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده با سازمان مجاهدین خلق ایران بظاهر یکی از نیروهای عمده ضد امپریالیستی و مردمی در جهت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی کوشش نماید.

حزب توده ایران کوششهای لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیکی با رزمندگان انقلابی خلق کرد بعمل خواهد آورد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران از مبارزه بر حق خلق کرد در راه خود مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی می‌کند. مسلمانان مبارزی که در شهر و روستا نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند و همچنان در پی دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی هستند، بدون تردید، جایشان در اتحاد بزرگ نیروهای انقلابی خواستار تحقق این آرزو است نه در کنار کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و نمایندگان روحانی نمای آنان. این اصل در مورد دیگر نیروهای ضد امپریالیستی نیز صادق است.

### رفقای ارجمند!

رهبر اد های کشور ما بار دیگر این حقیقت را عیان می‌سازد که بدین اتحاد و بدون عمل مشترک همه نیروهای انقلابی و مردمی مبارزه بخاطر نجات انقلاب نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد. اتحاد احزاب و سازمانها و نیروهای نامبرده، در شرایط کنونی که ارتجاع و عمال امپریالیسم در جبهه واحدی بیرون گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند حائز اهمیت ویژه‌ای است.

چنانکه خاطر نشان شد، در مبارزه بر سر قدرت که بین جناحهای هواداران مالکیت نامحدود و مالکیت محدود در گرفت، جناح نخست توانست به رفقای خود فائق آید.

آنچه در این مرحله از مبارزه می‌توانست جناح ارتجاعی را یا شکست مواجه سازد، حضور ملی و فعالیت گسترده احزاب و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیستی در عرصه سیاسی بود. مواضع احزاب و سازمانهای مزبور، که نقش تعیین کننده در ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌های زحمتکش داشت، در وهله نخست با موضع جناح طرفداران مالکیت محدود که با اصطلاح "عدالت اسلامی" را وده می‌دادند نزدیک بود. بنابراین جناح اخیر فقط می‌توانست با اتحاد با نیروهای مترقی انقلابی به رفقای خود فائق آید.

جناح ارتجاعی روحانیت که از ویژگی آرایش نیروهای سیاسی در جامعه آگاه بود، تمام نیروی خود را در جهت منفرد ساختن هواداران "عدالت اسلامی" بکار برد، روحانین قشری و انحصار طلب عمل در ره واحدی با ساواکها و سلطنت طلبان و دیگر عمال امپریالیسم با حربه شناخته شده "خطر کمونیسم" و "خطر منافق" مبارزه علیه نیروهای انقلابی را آغاز کردند. هر اقدام تدبیر، حتی جنایم، در راه انجام برخی از خواستهای زحمتکشان و هر گونه پیشنهاد تدبیر باز دارند. احیای نظام منطبق سرمایه‌داری واپس به ریشه‌های الهام از "منافقین" ویا کمونیست‌ها محکوم و رد کرد. از آنجا که جناح ارتجاعی در جبهه واحدی با همه نیروهای ارتجاعی عمل میکرد، بزودی موفق شد بر رفقای خود که بعلمت پیشداوریهایی ذهنی قادر بدرك ضرورت اتحاد با نیروهای انقلابی سیاسی نبود، فائق آید و آنانراودار به تبعیت از امیال خود کند. در این مرحله از مبارزه، که هر دو جناح متحداً سرکوب نیروهای راستین انقلاب را بعهده گرفتند.

این روند که از دو سال و اندی پیش آغاز گردید، بالاخره به پیروزی جناح ارتجاعی روحانیت در حاکمیت منجر شد و شرایط ضروری را برای چرخش جمهوری اسلامی بر است فراهم آورد. اگر علت پیروزی محافل ارتجاعی، قشری و انحصار طلب اتحاد آنها در جبهه ارتجاعی است، علت شکست جناح دیگر را باید در امتناع آن از اتحاد با نیروهای راستین انقلاب جستجو کرد. بدون شک، مبارزه بر سر قدرت هنوز پایان نیافته است. شواهد و قرائن گوناگون و از جمله اظهارات سخنگویان جناحهای مختلف مؤید آنستکه، محافل ارتجاعی در صدد کنار گذاردن کامل رفقای خویش از صحنه سیاسی هستند. ادامه راندن انقلابیون مذهبی و غیر مذهبی از ارگانهای دولتی و نهاد های انقلابی و تحدید فعالیت تبلیغی و تربیتی هواداران مسلمانان مبارز. در سطوح پایین اقداماتی است، که بتدریج شامل مقامات بالا نیز خواهد شد.

ولی از هم اکنون می‌توان گفت که محافل ارتجاعی و قشری موفق شده‌اند امیال ضد ملی خود را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به جامعه تحمیل کنند. جلوگیری از تصویب قانون کار و بیمه‌های اجتماعی منطبق با خواست کارگران، رد قانون اصلاحات ارضی، معلق گذاردن قانون ملی شدن بازرگانی خارجی بازگرداندن کارخانه‌های ملی شده به سرمایه‌داران، اعلان فروش سهام کارگاههای صادره شده، باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده به مالکان، بازگرداندن سهام خارجی شرکتهای ملی شده به انحصارهای امپریالیستی، گسترش همکاری همه جانبه بسا انحصارهای تک ملیتی و چند ملیتی، و چرخش بر است در سیاست خارجی، حاکم از تحکیم روز-

افزون مواضع نیروهای ارتجاعی و عمال امپریالیسم در حاکمیت است. تصادفی نیست که همزمان با این روند عمیقاً ضد ملی و ارتجاعی در داخل، ما شاهد جان گرفتن دست نشاندهگان ایرانی امپریالیسم در خارج از کشور و اتحاد مجموعه ضد انقلاب در جبهه واحد و نیز تشدید فعالیتها و خرابکارانه در داخل کشور هستیم.

این سیاست آشکارا ضد ملی نمی‌توانست در تشدید ناراضی توده‌ها مؤثر نباشد. نیروهای قشری انحصار طلب، که خود عامل عمده نابساامانیا، گسترش فقر و بیکاری و ترور اختناق در جامعه هستند، می‌کوشند از وضع موجود برای تحکیم پایگاههای اجتماعی خویش بهره بگیرند.

صرف نظر از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و قشری از بورژوازی متوسط صنعتی و بازاریبانی، که توانستند پس از انقلاب ثروت انبوهی از راه غارت زحمتکشان فراهم آورند، بخش فوقانی اقتدار مباح هم در جبهه ضد انقلاب بهمین ۵۷ قرار دارند. از روحانیت قشری انحصار طلب در حاکمیت که مدافعین قید و شرط منافع آنانست حمایت می‌کنند. ضد انقلاب فراری نیز در زد و بند با این گروه است. بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتضای مباح، که از حاصل دسترنج خویش امرار معاش می‌کنند، قشرهای وسیع دهقانان، افزایندهان، کسبه، کارمندان بخش‌های دولتی و خصوصی، دبیران، آموزگاران، مهندسیین و غیره را در بر می‌گیرد. نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند. هر یک از اقتضای مباحه خواستهای معین و مشخصی را در جریان جنبش انقلابی مطرح ساخته بودند و طبعاً در انتظار بر آورده شدن آنها بودند.

دهقانان کم زمین و نیز قشر خواهان اصلاحات ارضی رادیکال بودند. ولی آنها نتوانستند به آرزوهای قید و شرط نائل آیند. فقر و مسکنت آنها را مانند گذشته به مهاجرت به شهرها مجبور کرد. طبق اعتراف صریح مقامات دولتی مهاجرت روستائیان بشهرها همچنان ادامه دارد.

دهقانان مباحه حال خواهان دریافت اعتبار بالا بردن قیمت خرید محصولات کشاورزی و تهیه ماشین آلات کشاورزی به قیمت ارزان هستند. گرچه رژیم تدبیری در جهت جلب این قشر اتخاذ نمود، ولی گرانی و تورم و عدم امکان تهیه ابزاریدگی و غیره این قشر را نیز از چمبوسه اسلامی روی گردان می‌کند.

خارج از دلیل عمده کثیری از کارمندان، آموزگاران، دبیران، استادان دانشگاهها و دانشجویان آنانرا در صف مخالفان نظام سیاسی جدید قرار داده است.

ریشخندان، نوسندگان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، استادان دانشگاهها، دبیران، پزشکان و حقوق دانها که در گذشته از زندگی نسبتاً رفاهی برخوردار بودند، برای بهبود شرایط زندگی به انقلاب نپیوستند. انگیزه شرکت این گروه مؤثر در جامعه در انقلاب دستیابی به آزادی های دموکراتیک بود. این گروه به استثنای معدودی "نوسلمانان" در خدمت رژیم نه تنها به آزادیهای مورد علاقه خویش دست نیافتند، بلکه امتیازات مادی خود را هم بسرعت از دست دادند.

سیاست قشریون انحصار طلب مجموعه لایه‌های بینایی را بتدریج از هواداران چمبوسه اسلامی به مخالفین و در مواردی به دشمنان آن میدل می‌سازد. ضد انقلاب می‌کوشد تا با دادن وده‌های بی‌پشتوانه این گروه عظیم را بسوی خود جلب کند.

طبقه کارگر، که نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشت، از کلیه حقوق محروم است. کارگر که از حق تشکیل سندیکا و حق اعتصاب محرومند نه کوچکترین سهمی در اداره امور کارگاهها و نه بطور اولی در اداره امور کارگر دارند. برخی امتیازات گذشته آنان که محصول مبارزات خونین بود مخفی گردید. اعتصابهای کارگری سرکوب می‌شود. افزایش سرسام آور هزینه زندگی از سوختی و زندگی داری و دلت از افزایش دستمزد ها از سوی دیگر زندگی را بر طبقه کارگر مشکل تر ساخته است. افزایش سریع تعداد بیکاران، امتناع دولت از بهبود وضع زندگی مادی و معنوی زحمتکشان طبقه کارگر را نیز در مقابل محافل ارتجاعی در حاکمیت قرار میدهد.

بدیهی است که پروتالیهای صنعتی ایران استوارترین ذخیره انقلاب است و همانطور که در جریان مبارزه علیه طرح جدید ارتجاعی قانون کار نشان دادند، خواهان تدام انقلاب، طرد نیروهای ارتجاعی و عمال امپریالیسم از حاکمیت و ایجاد تحول بنیادی به نفع محرومان جامعه‌اند و با انقلابیون راستین در صف واحدی مبارزه می‌کنند. ولی این هم حقیقتی است انکارناپذیر، که میان سپاه چندین میلیونی کارگران، بسیازند ناآگاهانی که بسبب همت می‌توانند طعمه وده‌های ضد انقلاب گردند.

هر دو جناح هیئت حاکمه در ایجاد چنین وضعی شریکند. اگر جناح ارتجاعی در حاکمیت دانسته و آگاه در این راه گام برداشته است، جناح دیگر برای حفظ مواضع خود در حاکمیت گام بیگام عقب نشینی کرده، با تن دادن به سازش غیر اصولی به آرمانهای انقلاب پشت کرده است. این جناح با تسلیم در مقابل فشار قشریون انحصار طلب در زمینه سرکوب نیروهای سیاسی راستین انقلاب و انقلابیون مذهبی، که با بیورش سبانه به حزب سوده ایران به نقطه اوج رسید، عملاً میدان را برای یک تازی و خود کاغذی راستگرایان و عمال امپریالیسم خالی گذاشت. ادامه وضع بدین منوال زمینه مناسبی برای اجرای تام و تمام نقشه‌های شیطانی ضد انقلاب و قشریون انحصار طلب بشار می‌رود.

آنچه در کشور ما میگذرد هشدار است جدی به نیروهای ملی و مترقی و انقلابیون مذهبی. در مرحله کنونی مبارزه که فلیان ناراضی عمومی ایجاد تا توده‌های زحمتکشان را از جمهوری اسلامی بکلی روی گردان سازد، یگانه راه نجات انقلاب پیروزی جبهه متحد خلق است. اتحاد احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت‌های ملی و مترقی، ضد امپریالیستی و آزاد یخواه صادق بسه آرمانهای انقلاب اعم از مذهبی و غیر مذهبی تنها راه بیرون رفت از وضع کنونی است. چنینسببهای با برنامه مشترک مورد قبول همه نیروهای شرکت کننده میتواند وثیقه مطمئن در مبارزه در راه تشکیل یک دولت انقلاب ملی برای تحقق آرمانهای انقلاب در جهت منافع محرومان جامعه باشد. هیچد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران طی قطعنامه‌های برنامه علی در این زمینه مطرح ساخته است.

ما معتقدیم که نیروهای راستین انقلاب و همه کسانیکه خواهان پایان دادن به سيطرة ارتجاع در حاکمیت و تشکیل یک دولت انقلاب ملی برای دفاع از منافع زحمتکشان و محرومان جامعه هستند می‌توانند با هم زبان مشترک بیابند و با تدوین برنامه جامع، فعالانه در راه تحقق آن مبارزه کنند. برخلاف تصور ضد انقلاب تئور انقلاب سرد شده و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی دارای پایگاههای وسیع مادی و معنوی در جامعه‌اند و می‌توانند با اتحاد و عمل مشترک همه طبقات و اقتضای زحمتکشان را که از سران جمهوری اسلامی روی بر میگردانند به صفوف خود جلب کنند. دست یابی به این هدف ضرورت نیاز به شهادت انقلابی و تفاهم دارد. حزب توده ایران به نسوه خود همه مساعی لازم را در تحقق این مهم بکار خواهد برد.